

چگونه به درستی پیروز شویم؟

مقاومت مدنی و دستیابی به دموکراسی

نوشته جان اتان بینگنی

ترجمه: کارگروه ترجمه
شورای مدیریت گذار



ICNC International Center
on Nonviolent Conflict

انتشارات ICNC

از سری گزارش‌های ویژه ICNC

سال ۲۰۲۱

نام کتاب به انگلیسی **How to win wel, Civil Resistance Breaktroughts and the path to Democracy**

نویسنده: جاناتان پینکنی

سلب مسئولیت انتشار: عناوین استفاده شده و مطالب ارائه شده در این نشریه بیانگر اظهار نظری از طرف ICNC نیست.

نویسندگان مسئولیت انتخاب و ارائه حقایق مندرج در این اثر و همچنین هر یک از نظرات بیان شده در آن را بر عهده دارند که لزوماً نظرات ICNC نیست و به هیچ وجه سازمان را متعهد نمی‌کند.

مرکز بین‌المللی منازعات بی‌خشونت www.nonviolent-conflict.org

مترجم: کارگروه ترجمه شورای مدیریت گذار

ناشر: شورای مدیریت گذار

تاریخ انتشار: ۲۰۲۴

فهرست مطالب:

یادداشت:	۴
مقدمه	۵
چگونه قیام‌های بی‌خشونت موفق شدند	۸
تأثیرات انواع گذار	۱۲
نمودار ۱: مسیرهای گذار به رژیم جدید از طریق مقاومت مدنی	۱۳
آزمودن تأثیر گذارهای حاصل از مقاومت مدنی در دموکراسی‌سازی	۱۴
نمودار ۲: انواع موفقیت مقاومت مدنی از ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱	۱۵
نمودار ۳: میانگین دموکراسی به دست آمده از طریق روش‌های گوناگون پیروزی	۱۶
نمودار ۴: تأثیر انتخابات/مذاکرات بر روی استقرار دموکراسی پنج سال بعد از پیروزی	۱۷
دستیابی به موفقیت از طریق انتخابات در انقلاب مخملی سال ۲۰۱۸ ارمنستان	۲۰
گذار توسط کودتا در انقلاب ۲۰۱۱ مصر	۲۲
نکات و توصیه‌ها	۲۶
منابع:	۲۹
پیوست‌ها	۳۲
روش دسته‌بندی برای تعریف انواع پیروزی درمقاومت مدنی	۳۲
نمونه روش دسته‌بندی پیروزی	۳۳
جدول الف ۱: لیست کامل انواع پیروزی	۳۶
جدول الف ۲: جدول رگرسیون کامل مدل OLS و نتایج بررسی درستی آن	۳۸
درباره نویسنده	۴۰

یادداشت:

مقاومت مدنی یکی از قدرتمندترین نیروها برای حرکت کشورها از دیکتاتوری به دموکراسی است. با این حال، بسیاری از کمپین‌های مقاومت مدنی، حتی زمانی که در برابر مخالفان اقتدارگرای خود به موفقیت دست پیدا می‌کنند، لزوماً منجر به ایجاد رژیم‌های دموکراتیک جدید با کیفیت بالا نمی‌شوند.

این مقاله استدلال می‌کند که یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر این مکانیسمی است که از طریق آن کمپین‌های مقاومت مدنی به این موفقیت دست می‌یابند. برنده شدن در یک کمپین مقاومت مدنی از طریق انتخابات یا مذاکره باعث ترویج دموکراسی می‌شود، در حالی که تصاحب قدرت برون نهادی، حتی زمانی که عمدتاً بی‌خسونت باشد، تمایل کمتری به دموکراتیک شدن دارد.

در بخشی دیگر از این پژوهش شواهد آماری از همه مبارزات موفق مقاومت مدنی از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱ ارائه می‌شود. سپس با مطالعه موردی کلیدی از مصر و ارمنستان، شواهدی قوی از اهمیت دو مکانیسم گذار و تأثیر دموکراتیک‌کننده انتخابات و مذاکرات به دست می‌دهد.

پیام این مقاله این است که برای ترویج دموکراسی، مقاومت مدنی نه تنها باید پیروز شود، بلکه باید به خوبی پیروز شود.

ترجمه این مقاله توسط کارگروه ترجمه شورای مدیریت گذار انجام شده است. این مقاله با تکیه بر یافته‌های علمی و روش‌های تحلیلی و تجربی، گفتمان عمومی را با گسترش دانش علمی در زمینه مقاومت مدنی و ارائه توصیه‌هایی برای دست اندرکاران از جمله فعالان، سازمان‌دهندگان، روزنامه‌نگاران و اعضای سازمان‌های غیردولتی و جامعه سیاست‌گذاری غنی می‌کنند.

مقدمه

در ۱۱ آوریل ۲۰۱۹، پس از چهارماه اعتراضات بی‌خشونت توسط شهروندان، ارتش سودان اعلام کرد که عمرالبشیر، رئیس‌جمهور دیکتاتور را برکنار کرده و او را در حبس خانگی قرار داده‌است. معترضان به رهبری انجمن حرفه‌ای‌های سودانی (SPA) از رفتن دیکتاتور خوشحال شدند، اما نسبت به نحوه برکناری وی ابراز احتیاط کردند. معترضان در خیابان‌ها ماندند و نه تنها خواستار برکناری بشیر شدند، بلکه خواستار بازنگری جامع‌تر در رژیم‌ها شدند که از او حمایت کرده بود، از جمله رسیدگی به اقدامات رهبران نظامی که او را کنار زده بودند.^۱

احتیاط آن‌ها ضروری بود. جنبش‌های بزرگ مقاومت مدنی یکی از نیروهای اصلی برای گذار سیاسی دیکتاتوری‌ها در تاریخ معاصر بوده‌اند.^۲ مطالعات متعدد نیز نشان داد که وقتی دیکتاتورها از طریق تظاهرات مسالمت‌آمیز مانند سودان سرنگون می‌شوند، برکناری آن‌ها به احتمال زیاد منجر به دموکراسی می‌شود.^۳

تاریخ خود سودان شاهد این واقعیت غم‌انگیز است. از زمان استقلال سودان، قیام‌های توده‌ای دوبار باعث سرنگونی دیکتاتورهای ریشه‌دار سودان شده‌است: ابتدا در سال ۱۹۶۵ هنگامی که اعتراضات دانشجویان به سرنگونی رئیس‌جمهور ابراهیم عبود منجر شد و سپس در سال ۱۹۸۵ هنگامی که اعتصاب عمومی باعث سرنگونی رئیس‌جمهور جعفر نمیری شد.^۴ در هر دو مورد، سقوط دیکتاتور به دوره‌های کوتاهی از دموکراتیزه شدن منجر شد. با این حال، قدرت تثبیت شده نخبگان ضددمکراتیک - به ویژه ارتش - کشور را به دیکتاتوری بازگرداند. حذف یک دیکتاتور از قدرت، حتی از طریق مقاومت مدنی بی‌خشونت برای تضمین تغییر دموکراتیک کافی نبود.

این پژوهش به ویژه به زمان بسیار مهم پس از دستیابی یک جنبش مقاومت مدنی به تغییر سیاسی علیه دیکتاتور می‌پردازد. پرسش‌های کلیدی که به نظر می‌رسد پاسخ آن‌ها باشند، عبارتند از:

- راه‌هایی که جنبش‌های مقاومت مدنی برای سرنگونی دیکتاتورهای ریشه‌دار به موفقیت سیاسی دست می‌یابند، کدامند؟

^۱ برای اطلاعات بیشتر لطفاً به انقلاب ۲۰۱۹ سودان: قدرت مقاومت مدنی نوشته دکتر استفان زونس از انتشارات ICNC مراجعه کنید. این نوشته شامل مصاحبه با فعالین و روزنامه‌نگاران و اساتید دانشگاه و نهادهای جامعه مدنی است که در جنبش فعال بوده‌اند.

^۲ (Ackerman and DuVall 2000; Chenoweth and Stephan 2011; Nepstad 2011)
^۳ (Bayer, Bethke, and Lambach 2016; Bethke and Pinckney 2019; Celestino and Gleditsch 2013;
Karatnycky and Ackerman 2005; Pinckney 2018)
^۴ (Abdulshafi 2019)

- کدامیک از مبارزات ناشی از مقاومت مدنی باعث می‌شود کشورها در مسیر دموکراسی قرار بگیرند؟
- نیروهای خارجی برای کمک به جنبش‌ها چه کاری می‌توانند انجام دهند تا شانس خود را برای موفقیت و گذار دموکراتیک موفقیت‌آمیز افزایش دهند؟

در پاسخ به این سؤالات، در این پژوهش در مورد رابطه مقاومت مدنی بی‌خشونت و دموکراسی سازی به چند عامل کلیدی اشاره می‌کنیم. وقتی قیام‌ها دور از خشونت هستند، به احتمال زیاد به دموکراسی منتهی می‌شوند.^۵ علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که گذارهای سیاسی در طول دوره گذار پیامدهای بلندمدت مهمی دارند.^۶ بسیج اجتماعی پایدار و بسیج مدنی که نهادهای جدید را تقویت می‌کند برای دموکراسی سازی بسیار مهم است.^۷ با این حال روشن نیست که چگونه می‌توان این الگوهای مثبت بسیج دموکراسی‌خواهی را ایجاد یا از آنان حمایت کرد.

این گزارش با طبقه‌بندی پینکنی از "انواع موفقیت‌آمیز"^۸ مقاومت مدنی، به این شکاف می‌پردازد و شش روش را شناسایی می‌کند که در آن‌ها کمپین‌های مقاومت مدنی مانند مذاکرات، انتخابات یا کودتاهای نظامی به پیروزی‌های سیاسی عمده‌ای علیه رژیم‌های غیردموکراتیک در دوره پس از جنگ جهانی دوم دست یافته‌اند.

بحث کلیدی پژوهش این است که نوع گذار به شکلی روشن، گذار سیاسی پس از آن را شکل می‌دهد و گذار را در جهت دموکراتیک یا غیردموکراتیک پیش می‌برد. این فرآیند به این دلیل رخ می‌دهد که انواع پیروزی در سه بعد کلیدی با یکدیگر متفاوت‌اند:

۱. توازن نسبی قدرت بین رژیم فعلی و فعالان اپوزیسیون؛
۲. نوع نیروهای فعال که در ابتدای گذار ابتکار عمل را در دست می‌گیرند (و همچنین نوع ابتکار عمل نیروی فعال) و
۳. درجه نهادینه شدن فرآیند گذار.

جنبش‌هایی که به دموکراسی منتهی می‌شوند، معمولاً با سه مشخصه همراه هستند: اول این که با گذارهایی آغاز می‌شوند که مشخصه آن‌ها تغییر توازن قوا به نفع مبارزان بی‌خشونت است، دوم فعالین اپوزیسیون در عمل ابتکارات و نوآوری دارند و سوم ساختار مناسب را به‌وجود آورده‌اند. مذاکرات و انتخابات گذارهایی

^۵ Celestino and Gleditsch 2013; Chenoweth and Stephan 2011; Karatnycky and Ackerman 2005

^۶ Fernandes 2015

^۷ Pinckney 2018

^۸ پینکنی (۲۰۱۴) از آن‌ها به عنوان "مکانیسم‌های موفقیت" یاد می‌کند. من در اینجا برای تأکید بر آن از اصطلاح "دستیابی به موفقیت" استفاده می‌کنم این لحظات تغییرات قابل توجهی هستند، اما لزوماً به طور خودکار منجر به موفقیت طولانی مدت نمی‌شوند.

هستند که به بهترین وجه این سه ویژگی را به هم نزدیک می کنند و در نتیجه انتظار می رود به نتایج دموکراتیک تری منجر شوند.

این تحقیق با بررسی آماری دقیق ۷۶ مورد گذار که توسط کمپین های مقاومت مدنی از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱ انجام شده، صحت و سقم گزاره بالا را می کاود و یافته های آن از گزاره بالا حمایت می کند. این پژوهش همچنین تأثیر گذارهای مختلف بر مسیرهای گذار را از طریق بررسی مختصر دو مطالعه موردی هم نشان می دهد: انقلاب مخملی ۲۰۱۸ در ارمنستان و بهار عربی ۲۰۱۱ در مصر.

در نهایت این پژوهش بر اساس یافته های خود، برای تأثیر گذاری مثبت بر برآمدن دموکراسی از دل مبارزه بی خشونت، توصیه های ویژه ای برای فعالان و برنامه ریزان این مبارزات دارد. همچنین به متحدان خارجی جنبش های بی خشونت و آن هایی که در میدان عملیات مقاومت مدنی را رهبری می کنند به ویژه موارد زیر را توصیه می کند:

- ظرفیت های جنبش ها را برای ایجاد و استفاده از تغییر دموکراتیک برای پیشبرد اهداف جنبش ها و گذار دموکراتیک بالا ببرید؛
- از دست آوردهای مقاومت مدنی برای قرار دادن دموکراسی خواهان در موقعیت های نفوذ سیاسی استفاده کنید؛
- ساختارهای جدید برای کنش و مشارکت سیاسی ایجاد کنید؛ و
- به دخالت سیاسی نیروهای مسلح با تردید و دقت فراوان برخورد کنید.

چگونه قیام‌های بی‌خشونت موفق شدند

خیزش‌های مردمی که عمدتاً بر روش‌های بی‌خشونت برای دستیابی به تغییرات سیاسی تکیه دارند، امروزه یکی از نیرومندترین نیروهای محرک گذار سیاسی در جهان به شمار می‌آیند. چنووت و استفان (۲۰۱۱) بیش از یکصد جنبش بی‌خشونت را بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۲۰۰۶ شناسایی کرده‌اند که هدف آن‌ها برکناری رژیم‌های غیردموکراتیک، پایان دادن به اشغال نظامی یا ایجاد دولت‌های جدید بوده است. همچنین، پایگاه داده‌ی جهانی کنش بی‌خشونت، که داده‌های مربوط به انواع خیزش‌های بی‌خشونت را جمع‌آوری می‌کند، بیش از هزار کمپین عمدتاً بی‌خشونت را با اهداف و تاکتیک‌های گوناگون شناسایی کرده است.

قدرت اصلی خیزش‌های بی‌خشونت در توانایی برتر آن‌ها برای جذب مشارکت گسترده‌ی مردمی نهفته است (به طور متوسط، یازده برابر بیشتر از قیام‌های خشونت‌آمیز^۱)، که از طریق آن می‌توانند اهرم‌های فشار^۲ ایجاد کرده و "ستون‌های حمایتی"^۳ رژیم‌های استبدادی را به زیر بکشند. به‌ویژه، جنبش‌های مقاومت بی‌خشونت اغلب موجب فرسایش وفاداری ارتش یا نیروهای امنیتی نسبت به رژیم حاکم می‌شوند.^۴ منطق اساسی مقاومت مدنی بر دیدگاهی از نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی و دست اندرکاران کنش بی‌خشونت استوار است که جین شارپ (۱۹۷۳، ۲۰۰۵) به تفصیل آن را توضیح داده است مبنی بر اینکه نظام‌های قدرت بر همکاری و وابستگی خود تکیه دارند. زمانی که تعداد کافی از مردم عادی از همکاری سر باز زنند، نظام فرو می‌پاشد.

با این حال، این منطق ساده‌ی راهبردی، به‌تنهایی توضیح نمی‌دهد که چگونه خیزش‌های عمدتاً بی‌خشونت در عمل منجر به تغییر سیاسی واقعی می‌شوند. در نظام‌های دموکراتیک، اعتراضات می‌توانند از طریق تأثیرگذاری بر افکار عمومی یا رفتار رأی‌دهندگان^۵ منجر به تغییر شوند؛ اما در نظام‌های اقتدارگرا که چنین مسیری در دسترس نیست، جنبش‌های بی‌خشونت چگونه از خیابان‌ها به درون ساختار قدرت راه می‌یابند؟

پینکنی (۲۰۱۴) پاسخی تجربی به این پرسش ارائه می‌دهد؛ او با بررسی موارد گوناگون، شش سازوکار کلیدی گذار را شناسایی می‌کند که از طریق آن‌ها فشار ناشی از یک جنبش مقاومت بی‌خشونت می‌تواند موجب

^۱ Chenoweth and Stephan 2011

^۲ Schock 2005

^۳ Helvey 2004

^۴ Nepstad 2011

^۵ Madestam et al. 2013; Wasow 2017

تغییر قابل توجه در رژیم مستقر شود. از آنجایی که این کمپین‌ها قدرت صاحبان قدرت را به چالش می‌کشند، گذارها آغازکننده فرآیند گذاری سیاسی هستند که در آن بازیگران صحنه سیاسی نیز به دنبال ایجاد مجموعه‌ای جدید از قوانین می‌روند. این شش نوع متمایز گذار^۶ که تقریباً از کم‌ترین تا بیشترین میزان تخصص مرتب شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱- مذاکره ملی بین اپوزیسیون و رژیم غیردموکراتیک

نخستین نوع گذار، مذاکره است. در این نوع گذار، جنبش مقاومت مدنی وارد فرایند چانه‌زنی با رژیم می‌شود (که معمولاً با میانجی‌گری بازیگران داخلی یا بین‌المللی همراه است) تا درباره‌ی شرایط احتمالی تقسیم قدرت در دوره‌ی گذار و در نهایت، کناره‌گیری رژیم از قدرت به توافق برسند. مذاکره تنها زمانی به‌عنوان یک گذار واقعی شناخته می‌شود که منجر به تحقق هدف اصلی جنبش دموکراسی‌خواهی گردد.^۷

۲- انتخابات رقابتی در سطح ملی

دومین نوع گذار، انتخابات است؛ وضعیتی که در آن جنبش از طریق یک فرایند انتخاباتی نهادینه‌شده به هدف خود دست می‌یابد. معمولاً این حالت زمانی رخ می‌دهد که یک اپوزیسیون نسبتاً متحد در رقابت انتخاباتی، رژیم مستقر را شکست می‌دهد. از آنجا که این جنبش‌ها در کشورهایی شکل می‌گیرند که فاقد انتخابات آزاد و منصفانه‌ی منظم هستند، مقاومت بی‌خسونت معمولاً برای فشار بر رژیم به‌منظور برگزاری انتخابات و نیز برای تضمین پایبندی رژیم به نتایج آن ضروری است. برخی از برجسته‌ترین نمونه‌های این نوع گذار، «انقلاب‌های رنگی» در اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ هستند.^۸

۳- استعفای رهبر رژیم غیر دموکراتیک

سومین نوع گذار، استعفا است؛ حالتی که در آن رژیم بدون برگزاری انتخابات یا انجام مذاکرات رسمی، در نتیجه‌ی فشارهای مداوم جنبش مقاومت مدنی، از قدرت کناره‌گیری می‌کند. رهبران رژیم که ممکن است از پیامدهای ادامه‌ی حکومت بیم داشته باشند، داوطلبانه از قدرت کنار می‌روند. برای مثال، در انقلاب

^۶ این شش نوع دگرگونی به جای بررسی تئوریک از دل مشاهده دقیق دینامیزم مقاومت مدنی و با بررسی تجربیات این جنبش‌ها از زمان جنگ بین‌الملل دوم تا به حال استخراج شده‌است. برای استخراج این شش نوع دگرگونی جنبش‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که منجر به تغییرات اساسی شده و مسیر انتقال قدرت سیاسی را طی کرده‌اند. هدف اصلی این تقسیم‌بندی این است که مسیرهای دستیابی به قدرت را در متن جنبش مقاومت مدنی بررسی کند. این تقسیم‌بندی با آنچه جین شارپ تحت عنوان "مکانیزم‌های تغییر" آورده‌است (۲۰۰۵) تفاوت دارد. او تقسیم‌بندی از قبیل تبدیل، توافق، اجبار و فروپاشی را در متن تئوری خود درخصوص قدرت ترسیم می‌کند و کاری به مسیر انتقال قدرت و فرآیند گذار ندارد.

^۷ در بسیاری از کمپین‌های مقاومت مدنی مذاکرات اغلب با میانجی‌گری خارجی انجام می‌شود، حتی اگر مستقیماً به نتیجه نهای آن کمپین منجر نشود. این پژوهش تنها به بررسی مذاکراتی می‌پردازد که مستقیماً منجر به فروپاشی رژیم مخالف می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد نقش کلی مذاکرات در مقاومت مدنی رجوع کنید به Dudouet 2008, Svensson and Lundgren 2018 and Wanis-St. John and Rosen 2017
^۸ Wolchik 2011 و Bunce

آلمان شرقی در سال ۱۹۸۹ این نوع گذار رخ داد؛ زنجیره‌ای از استعفاهای پی‌درپی در میان اعضای حزب کمونیست به فروپاشی کامل رژیم انجامید.^۹

۴- مداخله خارجی

نوع چهارم گذار، مداخله خارجی است که وضعیتی که در آن اقدام مستقیم یک بازیگر خارجی در واکنش به جنبش مقاومت مدنی، باعث تغییر رژیم می‌شود. این مداخله ممکن است دیپلماتیک (مانند مقاومت روهر در ۱۹۲۳) یا نظامی (مانند تیمور شرقی در ۱۹۹۹) باشد. ویژگی متمایز این نوع گذار آن است که مداخله خارجی عامل اصلی تحقق هدف جنبش پی‌خسونت بوده و برای موفقیت آن نقشی ضروری ایفا می‌کند.

۵- کودتا (خسونت‌بار یا مسالمت آمیز)

نوع پنجم گذار، کودتا است که در آن گروهی از نخبگان رژیم به طور مستقل قدرت را به دست می‌گیرند. کودتا ممکن است شکل کلاسیک تسلط نظامی با حضور سربازان در خیابان‌ها به خود بگیرد یا پشت درهای بسته و در ساختار قدرت رخ دهد. اگرچه کودتاها معمولاً بدون آگاهی یا مشارکت مستقیم جنبش‌های مقاومت مدنی آغاز می‌شوند، اما بستر وقوع آنها اغلب توسط همان جنبش‌های مقاومت فراهم می‌شود. چنین جنبش‌هایی با ایجاد بحرانی عمیق برای رژیم حاکم یا رهبر آن، اقتدارش را تضعیف کرده و به بازیگران سازمان‌یافته‌ی دیگر فرصت می‌دهند تا نفوذ خود را اعمال کرده و قدرت سیاسی را در دست گیرند.

۶- فروپاشی رژیم غیردمکراتیک

آخرین و دراماتیک‌ترین نوع گذار در مبارزات مقاومت مدنی، فروپاشی کامل است. این وضعیت نزدیک‌ترین شکل تجربی به آن چیزی است که جین شارپ آن را "از هم‌پاشی" توصیف کرده‌است. در این نوع گذار، سطح مشارکت در جنبش مقاومت مدنی آن قدر بالا می‌رود و میزان جدایی و نافرمانی از رژیم چنان گسترده می‌شود که نهادهای حکومتی عملاً از کار می‌افتند و رژیم فرو می‌پاشد. به عنوان مثال، در انقلاب لاله‌ها در قرقیزستان در سال ۲۰۰۵، پلیس از سرکوب اعتراضات فزاینده خودداری کرد و معترضان به اشغال ساختمان‌های اصلی دولتی در بیشکک ادامه دادند؛ در نتیجه، رئیس‌جمهور اقتدارگرای آن زمان، عسکر آقایف، بدون استعفای رسمی از کشور گریخت.^{۱۰}

این شش نوع گذار شناسایی شده بر پایه‌ی مشاهده و بررسی تمام مواردی تدوین شده‌اند که در آن‌ها مقاومت مدنی در رژیم‌های غیردموکراتیک، از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱، منجر به تغییر رژیم سیاسی شده

^۹ Nepstad ۲۰۱۱

^{۱۰} آقایف در نهایت به طور رسمی از قدرت کناره‌گیری کرد، اما این استعفا تنها پس از دست دادن قدرت رژیم او انجام شد. بنابراین، در این مورد، استعفای رسمی مکانیزم موفقیت آمیز نبود، زیرا پس از آنی اتفاق افتاد که تغییر اساسی در قدرت قبلاً رخ داده بود.

است. هرچند از نظر نظری، انواع دیگری از گذار در مبارزات مقاومت مدنی قابل تصور است، اما هنوز در عمل رخ نداده‌اند. این دسته‌بندی‌ها چارچوبی معنادار و در عین حال ساده برای تمایز میان انواع گذارها فراهم می‌کنند که تمامی موارد واقعی در تاریخ معاصر را دربر می‌گیرد.

البته این نوع گذارها (و انواع دیگر) ممکن است در خارج از زمینه‌ی مقاومت مدنی نیز رخ دهند، و در ادبیات علمی، طبقه‌بندی‌های گوناگونی برای آن‌ها ارائه شده است.^{۱۱} با این حال، بررسی آثار انواع مختلف گذارها در تمام رژیم‌های غیردموکراتیک خارج از چارچوب مقاومت مدنی، فراتر از دامنه‌ی این گزارش است. از این رو، تمرکز این گزارش بر تأثیر گذارهای شناسایی‌شده در زمینه‌ی جنبش‌های مقاومت مدنی است.

^{۱۱} برای مثال مراجعه کنید به: Geddes, Wright, and Frantz 2014

تأثیرات انواع گذار

پایان دادن به یک رژیم خودکامه تنها اولین گام در فرایند گذار سیاسی است. گذار سیاسی شامل مراحل بسیاری قبل از استقرار رژیم جدید است.^۱ بنابراین، نوع گذار یا شیوهی فروپاشی رژیم قدیم، مسیر سیاسی بلندمدت یک کشور را بلافاصله و به طور قطعی تعیین نمی‌کند. برگزاری انتخابات، حتی اگر آزاد و عادلانه باشد، لزوماً به دموکراسی تمام عیار ختم نمی‌شود.

با این حال، با این حال، شیوه‌ای که از طریق آن گذار سیاسی آغاز می‌شود، می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر نحوه‌ی پیشرفت آن گذار داشته باشد و در نتیجه بر شکل رژیم جدید در پایان دوره‌ی گذار اثر بگذارد.^۲ بخشی از این موضوع به این دلیل است که جنبش‌های مقاومت بی‌خسونت معمولاً بیشترین تأثیر سیاسی خود را در لحظه‌ای دارند که رژیم قدیم فرو می‌پاشد. زمانی که گذار سیاسی آغاز می‌شود، حفظ بسیج مردمی دشوار می‌گردد و ممکن است نخبگان سیاسی پیشین دوباره قدرت خود را بازیابند و بار دیگر کنترل عرصه‌ی سیاست را در دست گیرند. (پینکنی ۲۰۱۸).

انواع گذار در میزان تأثیرشان بر تغییرات در سه بعد زیر متفاوت‌اند:

۱. چگونگی تأثیر گذار بر توازن قدرت میان چالشگران سیاسی جدید و نخبگان سیاسی قدیمی؛

۲. اینکه کدام بازیگر ابتکار عمل در گذار را به دست می‌گیرد؛ و

۳. میزان اتکای گذار به مسیرهای نهادی و قانونی موجود.

در دوران گذار، هم توازن قدرت و هم کسانی که ابتکار عمل سیاسی را به دست دارند (موارد ۱ و ۲) تعیین می‌کنند که ترجیحات چه کسانی تصمیمات سیاسی در دوران گذار را شکل خواهند داد. اگر شیوه‌ی سرنگونی رژیم پیشین به گونه‌ای باشد که بیشتر اهرم‌های قدرت و ابتکار تصمیم‌گیری‌های مهم دوران گذار در دست نخبگان رژیم سابق باقی بماند، احتمال دارد ترجیحات غیردموکراتیک بر تصمیمات حاکم شود. در مقابل، اگر نوع گذار به گونه‌ای باشد که منابع عمده‌ی نفوذ سیاسی را در اختیار چالشگران جدید قرار دهد،

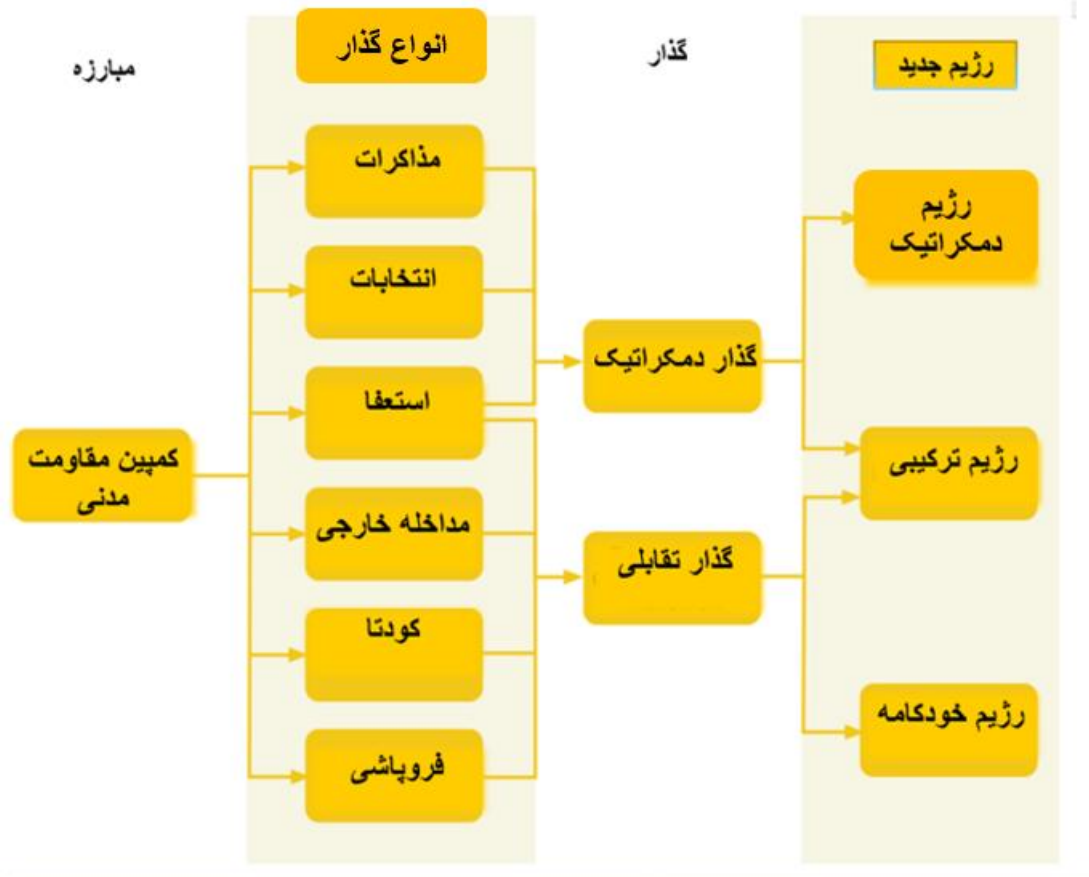
O'Donnell and Schmitter ۱۹۸۶

^۲ توجه به این نکته مهم است که اقدامات یا ساختارهای کمپین مقاومت مدنی ممکن است برخی از انواع دگرگونی‌ها را بیشتر از سایرین محتمل کند. برای مثال، جنبش‌های بسیار پراکنده و بدون داشتن سلسله‌مراتبی احتمالاً برای مذاکره با یک رژیم استبدادی تلاش خواهند کرد و بنابراین ممکن است این ابزار برای دگرگونی بسته شود. کمپین‌های دیگر ممکن است ساختارهای داخلی دموکراتیک را ایجاد کنند که بر سیاست دموکراتیک آنها دلالت کرده و مشارکت در انتخابات را تسهیل می‌کند. ما اطلاعات کمی در مورد ویژگی‌های کمپین‌هایی داریم که در سراسر کشور انواع دگرگونی‌های خاص را تسهیل می‌کنند، و بررسی این سؤال از چارچوب این گزارش خارج است، اما کارهای مهمی از سایر محققان در مورد این موضوع را در ۲۰۱۸ Butcher, Gray, and Mitchell یا Nepstad مشاهده می‌کنیم. ۲۰۱۵

احتمال بیشتری (هرچند نه به صورت تضمینی) وجود دارد که نظامی سیاسی با ماهیتی دموکراتیک‌تر پدید آید.

نهادینه‌سازی گذار (مورد ۳) در مسیر مبارزه برای پیروزی، به رقابت تمام‌عیار برای کسب نفوذ سیاسی جلوگیری می‌کند و به استقرار رژیمی تازه بر پایه‌ی حاکمیت قانون و با محدودیت‌های نهادی مؤثر کمک می‌کند. این امر می‌تواند جلوی «رادیکالیسم خیابانی» را بگیرد که خود یکی از چالش‌های اصلی جنبش‌های مقاومت مدنی بی‌خشونت در طول دوران گذار به دموکراسی است. (پینکنی ۲۰۱۸).

ویژگی‌های فوق برای هر یک از شش مدل گذار می‌توانند تأثیرات قابل‌توجهی بر دینامیک سیاسی در طول دوره گذار و پس از آن داشته باشند. این روندها به نوبه خود، می‌توانند تأثیر مهمی بر نوع رژیم بعدی (دموکراسی، ترکیبی یا خودکامه) داشته باشند که پس از گذار سیاسی ایجاد می‌شوند.



شکل ۱: مسیرهای گذار به رژیم جدید از طریق مقاومت مدنی

شکل ۱ در این گزارش، شش نوع گذار توضیح داده شده را همراه با نتایج احتمالی گذار پس از سرنگونی موفق رژیم‌های غیردموکراتیک فهرست می‌کند. بر اساس تحلیل این گزارش، آن دسته از سازوکارهای گذار که بیشترین میزان از سه ویژگی مثبت زیر را در خود دارند، بیشترین احتمال دموکراتیک شدن گذار را دارند:

۱. توازن مطلوب قدرت ،

۲. حضور بازیگر مناسب در موقعیت ابتکار عمل،

۳. و میزان معینی از نهادینه‌شدگی.

از میان انواع گذار، مذاکرات و انتخابات بیش از دیگران این ویژگی‌های مثبت را در خود دارند؛ بنابراین انتظار می‌رود این دو نوع گذار، به گذارهایی مشارکتی‌تر و دموکراتیک‌تر بینجامند. در بیشتر موارد، گذارهایی که از طریق سه مسیر پایین نمودار یعنی مداخله خارجی، کودتا یا فروپاشی صورت می‌گیرند، این ویژگی‌های مثبت را ندارند و بنابراین به احتمال زیاد به آنچه که در این گزارش "گذار تحت رهبری رژیم" یا "گذار تقابلی" نامیده شده، منجر می‌شوند که به خودکامگی جدیدی ختم خواهند شد. انتقال قدرت بدنبال استعفا که در لایه میانی قرار می‌گیرد گاهی منجر به گذارهای مشارکتی‌تر و گاهی هم به گذارهای تقابلی‌تر می‌شود.

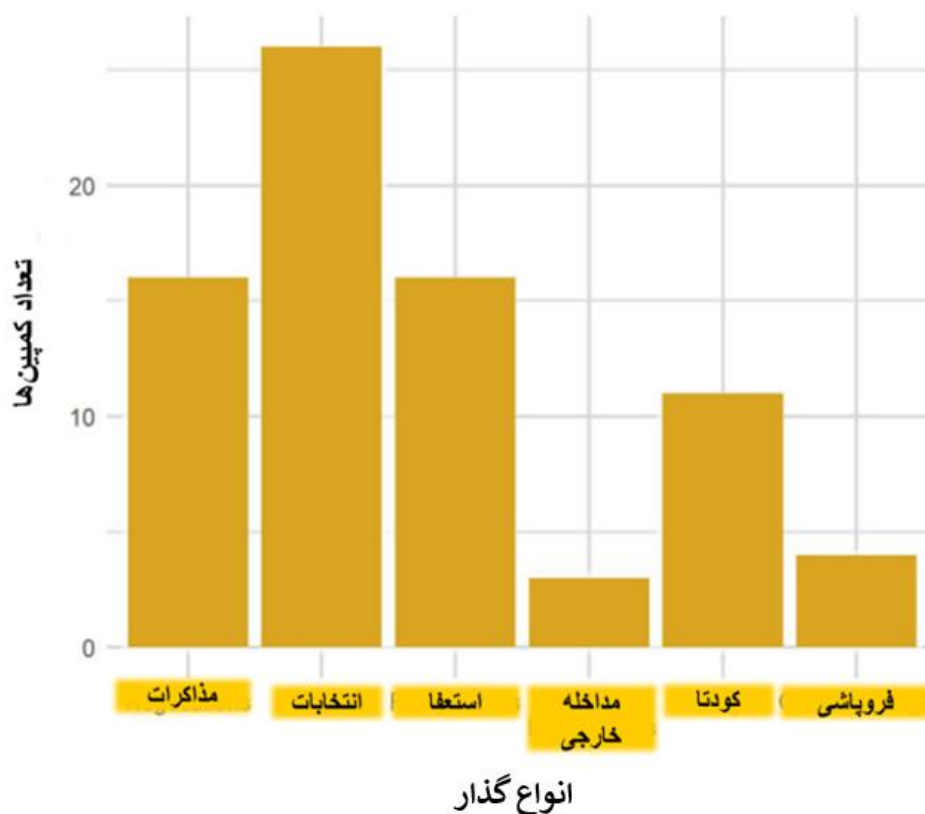
هیچ نوع گذاری ضامن قطعی موفقیت دموکراتیک نیست، آن‌چنان که عامل تعیین‌کننده شکست دموکراتیک هم نیست. برقراری دموکراسی، به ویژه یک دموکراسی قوی با ارزش‌های لیبرال و حمایت از حقوق بشر، همیشه پروژه‌ای نامعلوم است. بحث در اینجا این است که انواع گذارهای حاصل از مقاومت مدنی به طور مداوم روی گذار به سمت نزدیکی و یا دوری از دموکراسی تأثیر می‌گذارند؛ برخی از گذارهای خاص به سمت دموکراسی و بعضی دیگر به سمت دوری از دموکراسی حرکت می‌کنند، چنانچه که در شکل ۱ دیده می‌شود.

آزمودن تأثیر گذارهای حاصل از مقاومت مدنی در دموکراسی‌سازی

تا چه اندازه استدلال ارائه شده در شکل ۱ با گذارهای سیاسی واقعی هم‌خوانی دارد؟ این بخش ۷۶ مورد گذار سیاسی را که عمدتاً از طریق مقاومت مدنی پی‌خسونت در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱ رخ داده‌اند، بررسی کرده (پینکنی ۲۰۱۸) و آن‌ها را بر اساس شش گذار تعریف شده در بالا ارزیابی می‌کند. منبع

این اطلاعات در مورد کمپین‌های مقاومت مدنی عمدتاً^{۱۳}، NAVCO ۱، NAVCO ۲،^{۱۴} و Nonviolent Action Database^{۱۵} هستند. زمانی که این منابع اطلاعات کافی برای شناسایی یک گذار مشخص ناشی از مقاومت مدنی نداشتند، منابع ثانویه مربوطه نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

هر مورد بر اساس آنکه کدام نوع گذار مهم‌ترین و مستقیم‌ترین علت تغییر رژیم بوده است طبقه‌بندی شد. البته، طبقه‌بندی یک مورد در یکی از این دسته‌ها به این معنا نیست که سایر انواع گذار در آن حضور نداشته‌اند. برای نمونه، ممکن است مذاکراتی میان کمپین و رژیم در طول دوره مبارزه انجام شود، اما تا زمانی که این مذاکرات به‌طور مستقیم به پایان رژیم پیشین و آغاز گذار سیاسی — مثلاً از طریق ایجاد یک سازوکار موقت تقسیم قدرت — منجر نشوند، آن مورد به‌عنوان گذار «مذاکره» طبقه‌بندی نمی‌شود.^{۱۶}



شکل ۲: انواع گذار مقاومت مدنی از ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۱

^{۱۳} Stephan and Chenoweth 2008

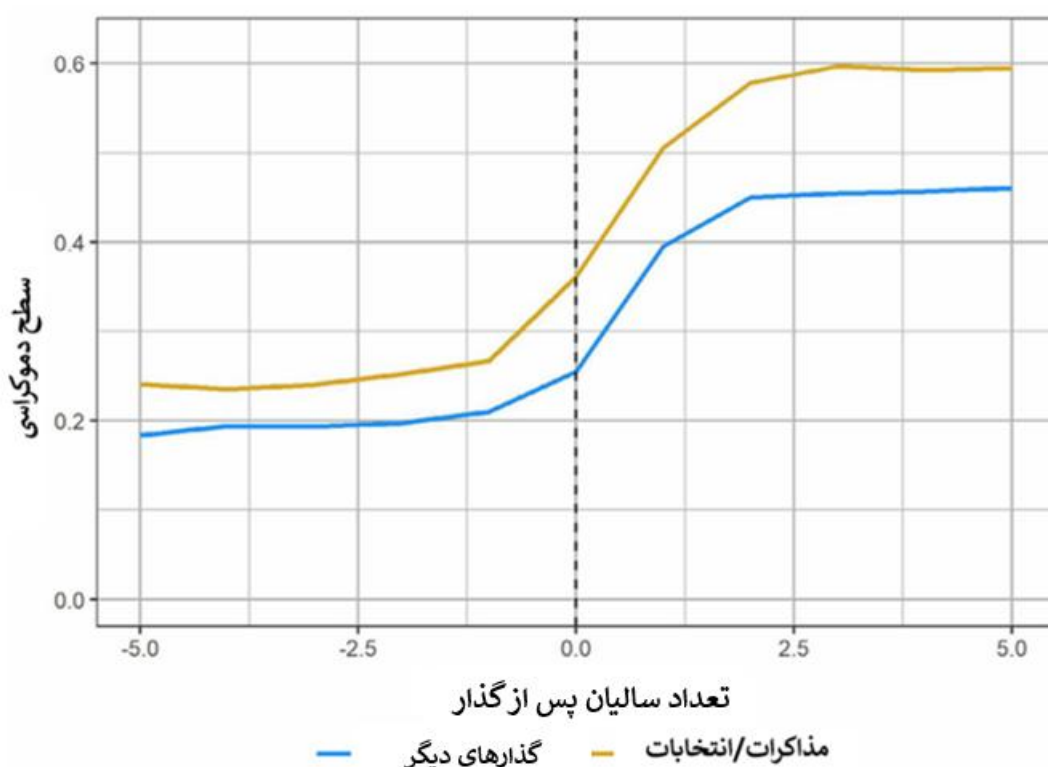
^{۱۴} Chenoweth and Lewis 2013

^{۱۵} Lakey 2011

^{۱۶} بحث بیشتر در مورد این قوانین کدگذاری را می‌توان در پیوست یافت.

شکل ۲ توزیع انواع گذارها را در میان گذارهایی که به واسطه‌ی مقاومت مدنی ایجاد شده‌اند، نشان می‌دهد. در میان شش نوع گذار حاصل از کمپین‌های مقاومت مدنی، انتخابات از همه موفقیت‌آمیزتر بوده که در ۲۶ مورد رخ داده‌است. نادرترین گذارها مداخلات خارجی (با تنها سه مورد) و فروپاشی کامل (با چهار مورد) هستند.

نادر بودن نسبی برخی از این گذارها، تحلیل جداگانه‌ی آماری هر یک از آن‌ها را با روش‌های استاندارد آماری ناممکن می‌سازد. از این‌رو، در ادامه، دو نوع گذار مذاکره و انتخابات — که انتظار می‌رود بیشترین تأثیر مثبت را بر دموکراسی داشته باشند — در یک گروه ترکیب شده و با چهار نوع دیگر گذار مقایسه می‌شوند.

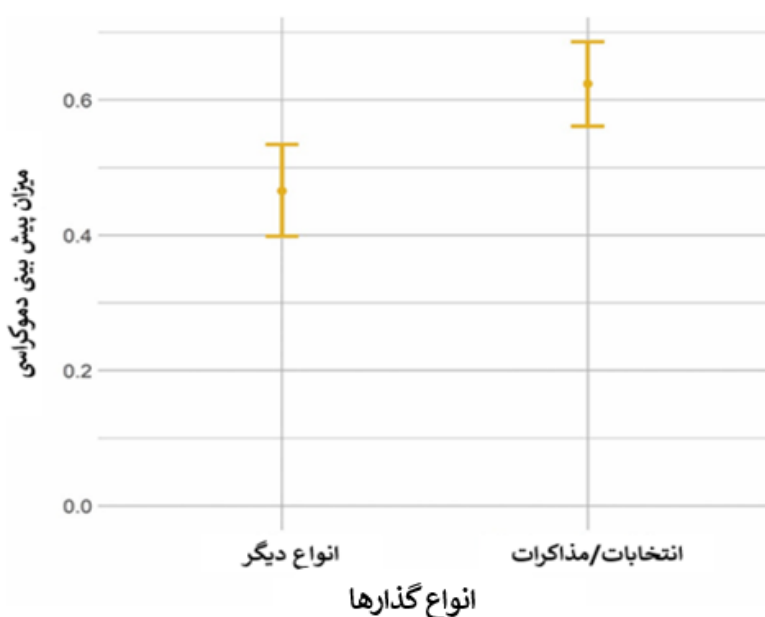


نمودار ۳: میانگین دموکراسی به دست آمده از طریق روش‌های گوناگون گذار

نخستین یافته از این مقایسه این است که نوع گذار تأثیر قابل توجهی بر سطح متوسط دموکراسی در گذر زمان دارد. شکل ۳ میانگین سطح دموکراسی را پیش و پس از یک کمپین موفق مقاومت مدنی نشان می‌دهد، در کشورهایی که گذارشان از طریق مذاکره یا انتخابات آغاز شده است، در مقایسه با کشورهایی که از چهار نوع دیگر گذار عبور کرده‌اند. خط عمودی نقطه چین نشان دهنده سال وقوع گذار را نشان می‌دهد.

دموکراسی با استفاده از نمره پولیاریشی^۷ از طیف انواع دموکراسی اندازه گیری می شود که از صفر (کاملاً غیردموکراتیک) تا یک (کاملاً دموکراتیک) متغیر است.^۸ بر این اساس، کشورهایی که گذار آنها از طریق انتخابات یا مذاکره حاصل شده است، به طور میانگین حدود پانزده درصد امتیاز دموکراتیک تر از کشورهایی هستند که از سایر انواع گذار عبور کرده اند. برای کمک به تفسیر این یافته، این تفاوت تقریباً معادل تفاوت در سطح دموکراسی بین ایالات متحده و جمهوری گرجستان در سال ۲۰۱۸ است.^۹ کشورها تقریباً دو سال پس از گذار به این میزان اختلاف می رسند و چندین سال بعد از آن نیز ثابت است.

با این حال، همانطور که شکل ۳ نشان می دهد، کشورهایی که گذارشان از طریق مذاکره یا انتخابات رخ داده، پیش از گذار نیز اندکی دموکراتیک تر بوده اند؛ به طور متوسط حدود ۰٫۰۵ امتیاز بیشتر. گرچه این تفاوت برای توضیح کامل فاصله ی بزرگ تر پس از گذار (۰٫۱۵ امتیاز) کافی نیست، اما نشان می دهد که مذاکرات و انتخابات معمولاً در کشورهایی رخ می دهند که پیش تر نیز از نظر سیاسی بازتر یا دموکراتیک تر بوده اند. این امر خود می تواند گذار به دموکراسی را در این کشورها آسان تر کند.



شکل ۴: تاثیر انتخابات/مذاکرات بر روی استقرار دموکراسی پنج سال بعد از گذار

^۷ پولیاریشی یا چندسالاری توسط رابرت دال برای توصیف شکلی از حکومت استفاده می شود که در آن قدرت در میان افراد متعدد تقسیم می شود و نه دیکتاتوری است و نه دموکراسی. (مترجم)

^۸ از نظر تکنیکی، امتیاز پولیاریشی دموکراسی «انتخاباتی» را با ترکیب شاخص هایی چون انتخاب شدن قوه مجریه، درصد جمعیت دارای حق رأی، آزاد و عادلانه بودن انتخابات، و سطح حمایت از آزادی بیان و تشکل اندازه گیری می کند. (Coppedge et al. ۲۰۱۸)

^۹ پروژه انواع دموکراسی به ایالات متحده امتیاز ۰٫۸۳۴، در سال ۲۰۱۸ و به جمهوری گرجستان امتیاز ۰٫۷۶۶ می دهد.

این تفاوت هنگام محاسبه اثرات گذارها بسیار حیاتی است زیرا علاوه بر سطح قبلی دموکراسی، سایر عوامل زمینه‌ای نیز ممکن است بر مسیر دموکراتیک یک کشور تأثیر بگذارند. گذارها، اگرچه به طور قابل توجهی توسط عوامل احتمالی کوتاه‌مدتی شکل می‌گیرند که ممکن است از قبل هم غیرقابل پیش‌بینی باشند، اما احتمالاً تحت شرایط سیاسی و اقتصادی بلندمدت یک کشور قرار می‌گیرند - عواملی که بر میزان دموکراسی در آینده نیز تأثیر می‌گذارند.^{۱۰}

با در نظر گرفتن عوامل اصلی ساختاری مانند سطح قبلی دموکراسی یا سطح توسعه اقتصادی کشور، مکانیسم‌های مختلف گذار چه تأثیری بر دموکراسی‌سازی دارند؟ شکل ۴ نتایج یک مدل آماری را نشان می‌دهد که اثر گذار از نوع مذاکره یا انتخابات را بر سطح دموکراسی پنج سال پس از پایان کمپین مقاومت مدنی بررسی کرده است. در این مدل، کنترل‌هایی برای متغیرهای ساختاری رایج که معمولاً بر سطح دموکراسی کشورها تأثیر دارند در نظر گرفته شده است؛ از جمله:

- سطح دموکراسی پیش از گذار،
- میانگین سطح دموکراسی در منطقه،

و تولید ناخالص داخلی سرانه.^{۱۱}

نقاط روی نمودار، امتیازهای پیش‌بینی‌شده‌ی دموکراسی پنج سال پس از گذار را برای کشورهای که از طریق انتخابات یا مذاکره گذار کرده‌اند، در مقایسه با چهار نوع دیگر گذار نشان می‌دهند؛ در حالی که تمام متغیرهای ساختاری روی میانگین خود ثابت نگه داشته شده‌اند.^{۱۲}

همان‌گونه که شکل ۴ نشان می‌دهد، حتی با در نظر گرفتن اثرات احتمالی عوامل ساختاری مانند سطح پیشین دموکراسی، توسعه‌ی اقتصادی و محیط منطقه‌ای، دستیابی به گذار از طریق انتخابات یا مذاکره همچنان سطح پیش‌بینی‌شده‌ی دموکراسی را افزایش می‌دهد. در واقع، کنترل این عوامل، اثر مثبت انتخابات و مذاکرات بر دموکراتیزاسیون را اندکی تقویت می‌کند، در مقایسه با زمانی که تنها میانگین‌های خام بدون کنترل در نظر گرفته شوند.^{۱۳} بنابراین، تحلیل آماری شواهد محکمی ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه نوع

^{۱۰} منابع مربوط به روند دموکراسی‌سازی تعداد بسیار زیادی از عوامل ساختاری بالقوه را نشان می‌دهند که ممکن است بر مسیر دموکراتیزه شدن یک کشور تأثیر بگذارند. به طور خاص، استدلال‌هایی قوی وجود دارد که پیشینه تاریخی دموکراتیک یک کشور، توسعه اقتصادی (Acemoglu et al. ۲۰۰۸) و محیط بین‌المللی تسهیل‌کننده (Brinks and Coppedge ۲۰۰۶؛ Gleditsch and Ward ۲۰۰۶) باعث رشد دموکراسی می‌شوند.

^{۱۱} همه متغیرها از پروژه انواع دموکراسی استخراج شده‌اند.

^{۱۲} نوارهای دو طرف نقاط دارای فاصله اطمینان ۹۵ درصد هستند که دامنه تغییرات منطقی در مقادیر پیش‌بینی‌شده را نشان می‌دهند. برای بررسی‌های بیشتر استحکام این رابطه به پیوست مراجعه کنید. نتیجه برای اندازه‌گیری امتیاز پولیاریشی حداقل تا ده سال پس از پیشرفت قابل اتکاست.

^{۱۳} در مقایسه با تفاوت تقریباً ۰٫۱۵ در میانگین نمرات، تفاوت پیش‌بینی‌شده تقریباً ۰٫۱۶ است.

گذار واقعاً مسیر سیاسی پس از خود را شکل می‌دهد — حتی زمانی که عوامل ساختاری و زمینه‌ای نیز در مدل لحاظ شوند. بخش بعدی به بررسی تأثیر این نوع تحولات در دو نمونه‌ی معاصر می‌پردازد.

دستیابی به موفقیت از طریق انتخابات در انقلاب مخملی سال ۲۰۱۸ ارمنستان

رویدادهای ارمنستان تأثیر مذاکرات یا انتخابات را بر پیشرفت دموکراتیک به خوبی نشان می‌دهد. در ۱۷ آوریل ۲۰۱۸، پارلمان ارمنستان سرژ سرکیسیان، رئیس جمهور سابق را به عنوان نخست وزیر ارمنستان انتخاب کرد. این حرکت به طور گسترده به عنوان قبضه قدرت دیده شد. سرکیسیان ده سال رئیس جمهور این کشور بود و بر روند بازنگری قانون اساسی نظارت داشت که ارمنستان را از نظام ریاست جمهوری به نظام پارلمانی تغییر داد. این تغییر، مقام ریاست جمهوری را به نقشی نمادین تقلیل داد و به نخست وزیر اختیارات اجرایی گسترده‌ای داد. سرکیسیان تا حدودی موافقت رای دهندگان ارمنستان را برای تغییر دریافت کرده بود، به این دلیل که قول داده بود که در دوره جدید سیاسی به دنبال نخست وزیری نخواهد بود (Abrahamian and Shagoyan ۲۰۱۸).

اپوزیسیون، به رهبری نیکول پاشینیان، فعال و بنیانگذار حزب قرارداد مدنی، یک راهپیمایی چند هفته‌ای را در سراسر کشور آغاز کرد که از راهپیمایی مهاتما گاندی علیه مالیات نمک در سال ۱۹۳۰ الهام گرفته بود. همچنین او یک سری تظاهرات علیه انتخاب سرکیسیان را سازماندهی کرد. (MacFarquhar ۲۰۱۹) تظاهرات اولیه آن‌ها به صورت پراکنده برگزار شد، اما پس از انتخاب سرکیسیان و همچنین تلاش‌های غلط دولت برای سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات مخالفان، مشارکت عمومی گسترده‌تر شد. معترضان مخالف مجموعه‌ای از تاکتیک‌های نوآورانه را بکار می‌بردند، از جمله آن‌ها بستن خیابانی برای اجرای یک نمایش و یا تجمع برق‌آسا بود و زمانی که مأموران پلیس برای شکستن محاصره وارد می‌شدند، متفرق می‌شدند، اما بلافاصله در خیابان دیگری در همان نزدیکی دوباره منسجم می‌شدند. (Amiryan n.d)

در حالی که دولت در ابتدا تلاش برای سرکوب خشونت‌آمیز داشت، حجم اعتراضات به سرعت خشونت را غیرممکن کرد و رژیم تصمیم به مذاکره گرفت. پاشینیان و اپوزیسیون از پایان دادن به اعتراضات خودداری کردند، تنها به شرطی که سرکیسیان از قدرت کناره‌گیری کند و پاشینیان به عنوان نخست وزیر انتخاب شود. از آنجایی که اعتراضات هیچ نشانه‌ای از فروکشی را نشان نمی‌داد و همبستگی حزب سرکیسیان تحت فشار شروع به شکستن کرد، او در نهایت به خواسته‌های معترضان سر فرود آورد و از قدرت کنار رفت. حزب سرکیسیان، حزب جمهوری خواه ارمنستان، تلاش کرد تا یک وفادار به سرکیسیان را به جای او انتخاب کند، اما پاشینیان تا زمانی که حزب حاکم یک چهره اپوزیسیون را به قدرت نرساند، از پایان دادن به کمپین خودداری کرد. سرانجام، در ۸ مه ۲۰۱۸، تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس از حزب حاکم جدا شدند که منجر به انتخاب پاشینیان به عنوان نخست‌وزیر ارمنستان شد.

انقلاب مخملی ارمنستان ۲۰۱۸ عناصری از استعفا و انتخابات را در برداشت. سازوکار اولیه برای گذار، انتخابات بود مانند انتخاب نیکول پاشینیان به عنوان نخست‌وزیر ارمنستان که رویداد اصلی برای پایان دادن به این دوره از مبارزه و آغاز دوره گذار بود.

رویدادهای زیر در دوران گذار در ارمنستان اثرات بسیار مثبت "گذار مشارکتی" را نشان می‌دهد. اول، انتخاب پاشینیان به طور قابل توجهی توازن قوا را به نفع چهره‌های اپوزیسیون تغییر داد. معترضان انقلاب مخملی نهایت استفاده را از سطح بالای تحرک درگیری در مخالفت با سرژ سرکیسیان بردند، نه فقط برای حذف سرکیسیان از قدرت بلکه برای انتصاب شخصیتی با ترجیحات دموکراتیک تر در موقعیت قابل توجهی که به مرحله بعدی گذار شکل بدهد. این در گذار سال بعد نتیجه داد، زمانی که در دسامبر ۲۰۱۸ انتخابات پارلمانی زودهنگام برگزار شد و ناظران مستقل بین‌المللی و ملی، آن را عاری از تقلب انتخاباتی یا بی‌نظمی‌های عمده تشخیص دادند و نامزدهای رقیب توانستند کمپین‌های انتخاباتی خود را آزادانه انجام دهند. آزادی‌های اساسی مانند حق داشتن اتحادیه‌ها، حق اجتماع، حق بیان و فعالیت در طول کمپین کاملاً محترم شمرده شد. (ODIHR ۲۰۱۹) پاشینیان همچنین توانست از قدرت‌های افزایش یافته نخست‌وزیری ارمنستان (که سرکیسیان برای استفاده شخصی خود اصلاحاتی در قانون اساسی انجام داده بود) برای تغییرات قابل توجهی در سیاست ارمنستان، اجرای اصلاحات سیاسی بزرگ و آغاز تعقیب مقامات فاسد استفاده کند. (Ohanyan ۲۰۱۸)

شیوه گذار در ارمنستان مستلزم استفاده دقیق از کانال‌های نهادی بود. برخلاف انقلاب‌های بدون خشونت قبلی در منطقه، مانند انقلاب لاله قرقریزستان (۲۰۱۱ Bunce and Wolchik)، رهبران انقلاب مخملی ارمنستان بسیار مواظب بودند که فقط از طریق یک فرآیند انتخاباتی قانونی مشروع و بدون شبهه به قدرت برسند. این تمرکز بر نهادها در سراسر فرآیند گذار تکرار شد، هم نخبگان رژیم قدیم و هم نخبگان رژیم جدید هر زمان که ممکن بود در ساختارهای قانونی و نهادهای موجود با دقت همکاری می‌کردند. (Iskandaryan ۲۰۱۸، ۴۸۰) نتیجه این تغییرات رشد دموکراتیک قابل توجه در ارمنستان بوده‌است. از ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، پروژه انواع دموکراسی (Varieties of Democracy) ۰٫۴ افزایش را در امتیاز پلیارشی (چندسالاری) ارمنستان گزارش کرده‌است - یک افزایش بسیار نادر و اساسی در دموکراسی که آن را از رتبه ۱۲۱ به ۳۵ در میان کشورهای دموکراتیک جهان ارتقا می‌دهد. دولت جدید، فضا را برای افزایش فعالیت‌های جامعه مدنی باز کرده (Liakhov and Khudoyan ۲۰۱۸)، ابتکار عمل را علیه فساد (Atanesian ۲۰۱۸) در دست گرفته، و قوانینی را برای اصلاحات قابل توجهی در امر انتخابات به تصویب رسانده‌است. (Asbarez ۲۰۱۸) این کشور هنوز در حال گذار است و نتیجه آن باید مشخص شود، اما تاکنون هم دستاوردهای مهم زیادی داشته شده‌است.

گذار توسط کودتا در انقلاب ۲۰۱۱ مصر

گذار در ارمنستان نشان‌دهنده تحول مثبت دموکراتیک یک گذار است که از طریق گذاری با توازن دموکراتیک قدرت، ابتکار عمل اپوزیسیون و راه‌های نهادینه تغییر آغاز شد. گذار در مصر پس از بهار عربی ۲۰۱۱ نشان‌دهنده تأثیر مخرب گذاری است که بدون این ویژگی‌ها آغاز شد، به‌ویژه کودتای فوریه ۲۰۱۱ که رئیس‌جمهور سابق حسنی مبارک را برکنار کرد.

در سال ۲۰۱۰، تعداد کمی پیش‌بینی می‌کردند که تغییرات سیاسی عمده‌ای در افق مصر پیش خواهد آمد. یک جنبش اعتراضی نوپا علیه انتخاب رئیس‌جمهور حسنی مبارک برای پنجمین بار در سال ۲۰۰۵ با موفقیت سرکوب شد و نیروهای اپوزیسیون عمدتاً دچار انحلال و تضعیف روحیه شدند. مرتبط‌ترین سوال سیاسی جانشینی بود - چه کسی بعد از مبارک، رئیس‌جمهور سالخورده در حالی که سلامتی او رو به افول است، به قدرت خواهد رسید؟

موقعی که در اثر اعتراضات موفقیت‌آمیز در ژانویه ۲۰۱۱ زین‌العابدین بن‌علی رئیس‌جمهور تونس برکنار شد، وضعیت در مصر به طرز چشمگیری تغییر کرد. با رسیدن خبر انقلاب موفقیت‌آمیز در تونس به مصر، توجه بیشتری به اعتراضی که از قبل برای ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ - "روز پلیس" مصر - برنامه ریزی شده بود معطوف گشت که توسط فعالان جوان، از جمله گروه فیس بوک "ما همه خالد سعید هستیم" ۱ توسط وائل غنیم، مدیر اجرایی مصری گوگل سازماندهی شده بود. علیرغم سرکوب خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی، راهپیمایی‌های اعتراضی در ۲۵ ژانویه بسیار بزرگتر از انتظار همه بود و با موفقیت به میدان تحریر (آزادی) قاهره رسید و برای مدت کوتاهی آن را اشغال کرد.

در روزهای بعد، احزاب سیاسی مخالف، از جمله حزب ممنوعه اخوان‌المسلمین، و همچنین صدها هزار نفر از مردم عادی مصر به جوانان تظاهرکننده در میدان تحریر و سراسر کشور پیوستند. پس از درگیری‌های اولیه در چند روز اول تظاهرات، پلیس تا حد زیادی از خیابان‌های قاهره ناپدید شد. ارتش مصر در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ در قاهره مستقر شد، اما قصد خود مبنی بر عدم مداخله در اعتراضات را اعلام کرد. دولت مبارک تلاش ناموفقی برای از کار انداختن معترضان با دادن امتیازاتی، از جمله وعده کناره‌گیری پس از انتخابات ریاست جمهوری آتی کرد. معترضان از پذیرش این پیشنهادهای خودداری کردند و خواستار خروج

^۱ خالد سعید جوان مصری اهل شهر اسکندریه بود که پس از افشای حوادث خشونت‌آمیز پلیس توسط پلیس مصر به طرز وحشیانه‌ای شکنجه و به قتل رسید.

فوری مبارک و اقدام نظامی برای حل بحران ملی شدند. سرانجام، در ۱۱ فوریه، پس از دیدار شبانه محمد طنطاوی، رئیس شورای عالی نیروهای مسلح مصر (SCAF) و مبارک، معاون رئیس جمهور عمر سلیمان در بیانیه‌ای کوتاه اعلام کرد که مبارک از قدرت کناره‌گیری کرده و قدرت سیاسی را به طنطاوی و SCAF تحویل داده‌است.

سقوط مبارک به سرعت مورد تحسین داخلی و بین‌المللی قرار گرفت. در میان فعالان و ناظران این احساس وجود داشت که این یک پیروزی واقعی برای "قدرت مردم" است که گذار دموکراتیک را سریعاً آغاز می‌کند. ارتش فعالانه این روایت را تقویت کرد و به فعالان وعده داد که تمام اهداف آنها برآورده خواهند شد و با رهبران جوانان مانند وائل غنیم ملاقات کرد و کمیته‌ای برای بازنگری در قانون اساسی مصر تشکیل داد. علاوه بر این، بسیاری از برجسته‌ترین تاجران متهم به فساد در رژیم مبارک از مواضع نفوذی خود برکنار و تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. با این حال، ارتش بازیگر اصلی قدرت باقی ماند و نفوذ آن هرگز به طور جدی توسط هیچ نهاد غیرنظامی تهدید یا کنترل نشد.

رویکرد ارتش مبنی بر وعده اصلاحات اساسی در عین حفظ کنترل شدید بر قدرت سیاسی واقعی، بخش اعظم ائتلاف بزرگی را که برای برکناری مبارک گرد هم آمده بودند، از کار انداخت. بسیاری از جوانان انقلابی تندرو تلاش کردند در میدان تحریر باقی بمانند و از آزادی و دموکراسی بیشتر حمایت کنند و تاکتیک‌های استبدادی SCAF را محکوم کنند. ارتش این منتقدان را وحشیانه سرکوب کرد. در همان زمان، اکثر مردم یا این لفاظی را پذیرفتند که برکناری مبارک توسط ارتش نشان دهنده پیروزی انقلاب است، یا دیگر انگیزه‌ای برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی نداشتند. گروه‌های سیاسی سازمان یافته، مانند اخوان المسلمین، از انقلابیون جوان جدا شدند تا خود را با ارتش هماهنگ کنند.

ارتش چند ماه پس از خروج مبارک بیش از هفت هزار نفر از فعالین را دستگیر، بازداشت و در دادگاه‌های مخفی محاکمه کرد (مارتینی و تیلور ۲۰۱۱). نگرانی SCAF بابت حفظ حمایت مردم و مشروعیت غیرسیاسی خود، ژنرال‌ها را متمایل کرد که از حکمرانی مستقیم فاصله بگیرند، اما آنها همچنین عزم جزم کرده بودند که از این موضوع اطمینان حاصل کنند که هیچ حاکمی در آینده نتواند در تداوم استقلال سیاسی و تسلط آنان بر اقتصاد کشور دخالت کند. بنابراین، در حالی که SCAF چهره اجتماعی دموکراتیک خود را حفظ می‌کرد، با دستکاری در فرآیند گذار - در حالی که توسط هیچ شریک یا نهاد جدی در قدرت کنترل نمی‌شد - به سمت حفظ یک ارتش خودمختار غیر دموکراتیک بدون هیچ گونه نظارت غیرنظامی یا مدنی حرکت کرد.

در سال ۲۰۱۲ با انتخاب محمد مرسی به ریاست جمهوری مصر SCAF از حکومت مستقیم خارج شد. انتخاب مرسی لحظه امید دموکراتیک بود. ناظران بین‌المللی از ماهیت تاریخی این انتخابات - اولین

انتخابات دموکراتیک واقعی در مصر- استقبال کردند. با این حال، خوشبینی نسبت به حکومت مرسى در نوامبر ۲۰۱۲ از بین رفت، زمانی که رئیس‌جمهور اصلاحیه‌ای در قانون اساسی صادر کرد و به موجب آن اختیارات اجرایی گسترده‌ای به خود اعطا کرد. پس از اعتراضات گسترده، مرسى آن اصلاحیه را لغو کرد، اما این امر موجب حذف مشارکت محدود مخالفان در فرآیند تدوین قانون اساسی شد. این به دنبال تکمیل قانون اساسی اسلام‌گرایانه‌ای بود که در یک همه‌پرسی جنجالی با مشارکت کم به تصویب رسید.

اپوزیسیون لیبرال مصر علیه مرسى متحد شدند و خواهان برکناری او از قدرت شدند. این مخالفت با مرسى در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳، اولین سالگرد تحلیف مرسى به عنوان رئیس‌جمهور به اوج خود رسید. میلیون‌ها، شاید حتی ده‌ها میلیون نفر، به تظاهرات سراسری مصر پیوستند و خواستار برکناری فوری مرسى شدند. در ۳ ژوئیه، عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع، نیروهای خود را در سراسر قاهره مستقر کرد و مرسى و بسیاری از رهبران ارشد اخوان المسلمین را بازداشت کرد. به دنبال آن زمانی که ارتش دست کم ۶۰۰ نفر را که علیه کودتا در قاهره تحصن کرده بودند، قتل عام کرد، سرکوب نظامی وحشیانه حامیان مرسى در ۱۴ اگوست ۲۰۱۳ به اوج خود رسید.

بازگشت سرکوب وحشیانه دولت فراتر از اخوان‌المسلمین بود. ارتش همچنین جوانان فعال و دیگر چهره‌های معروف اپوزیسیون لیبرال را دستگیر کرد. قانون اساسی جدید مصر که در یک همه‌پرسی در ژانویه ۲۰۱۴ با ارباب نظامی و تحریم مخالفان به تصویب رسید، توجیه قانونی برای ادامه این وضعیت به‌طور نامحدود ایجاد کرد، همچنین برای ایجاد یک دولت نظامی واقعی تعریف تروریسم را گسترش داد و به رئیس‌جمهور اختیاراتی گسترده برای اعلام وضعیت اضطراری داد. (Revkin ۲۰۱۴) السیسی وزیر دفاع، پس از رهبری کودتا برای سرنگونی تنها رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک مصر، به‌سرعت برای جایگزینی وی وارد عمل شد و با ۹۷ درصد آرا در انتخابات مه ۲۰۱۴ برنده شد، که همه ناظران بین‌المللی آن را به خاطر غیرآزاد و غیرعادلانه بودن محکوم کردند. کنترل السیسی بر کشور در سال‌های بعد با سرکوب مخالفان سیاسی و تمرکز روزافزون قدرت در دستان السیسی تثبیت شد.

عوامل بسیاری روند گذار آشفته مصر را شکل دادند. اما پیشرفت مقاومت مدنی از طریق کودتا در سال ۲۰۱۱ نقش اصلی را ایفا کرد. به ویژه، موقعیت کلیدی رهبران نظامی را تثبیت کرد و با شروع گذار به آنها نقش محوری در موازنه قدرت داد. همچنین ابتکار اصلی برنامه ریزی گذار را در دست رهبران نظامی قرار داد.

در هر مرحله از فرآیند گذار بعدی، ارتش توانست نتایج سیاسی را به سمت حفظ قدرت و امتیاز برای خود تغییر دهد. مهم‌تر از آن، کودتای ۲۰۱۱ و به‌دنبال آن تحکیم قدرت در پایان آن سال، ارتش را دوباره

تقویت کرد و الگویی را برای کودتای ۲۰۱۳ و بازگشت تمام عیار حکومت استبدادی توسط رئیس جمهور
مورد حمایت ارتش در قالب رژیم استبدادی پیش از انقلاب مصر ارائه کرد.

نکات و توصیه‌ها

این گزارش ویژه دسته‌بندی روش‌هایی را ارائه می‌کند که طی هفتاد سال گذشته کمپین‌های مقاومت مدنی به موفقیت‌هایی علیه رژیم‌های غیردموکراتیک دست یافته‌اند. شواهدی از تأثیرات این روش‌های متفاوت بر مسیرهای گذار کشورها از رژیم غیردموکراتیک گذشته به یک رژیم جدید، خواه دموکراتیک یا غیر دموکراتیک ارائه کرده‌است.

گذارها تنها عامل مهمی نیستند که بر مسیرهای دموکراتیک در گذارهای حاصل از مقاومت مدنی تأثیر می‌گذارند. با این حال، شواهد آماری و موارد ارائه شده در اینجا دلایل محکمی را ارائه می‌دهند که چرا سیاست گذاران، دست اندرکاران بین‌المللی و فعالان باید به طور جدی به تأثیر بالقوه شش مدل گذار بر گذار آغاز شده از طریق جنبش‌های مقاومت مدنی بپردازند. گذار تنها اولین قدم در یک گذار است. با این حال، این مرحله‌ای است که تأثیر بزرگی بر مراحل و فرآیندهای پس از آن دارد. بنابراین، جایگزینی یک نوع گذار به جای دیگری ممکن است در مسیر گذاری که در پی آن می‌آید، تغییر چشمگیری ایجاد کرده و کشوری را به سوی دموکراسی یا دوری از آن متمایل کند.

این کار بر اساس ادبیات آکادمیک فزاینده در مورد رابطه میان مقاومت بی‌خشونت و دموکراسی سازی استوار است.^۱ این گزارش همچنین چندین درس را برای کسانی که در مقاومت بی‌خشونت دخیل هستند و برای فعالین خارج از آن که علاقه‌مند به کمک در گذار حاصل از مقاومت بی‌خشونت در جهت دموکراتیک هستند، ارائه می‌دهد.

توانایی شکل دادن به یک گذار توسط تاریخ و ظرفیت‌های سیاسی افراد موثر در طول یک کمپین مقاومت مدنی محدود است. با این حال، یافته‌های این گزارش شامل چند دستورالعمل کلی برای عوامل ذینفع در گذار، حامیان خارجی و فعالین است.

۱. ظرفیتهای محلی را برای گذار دموکراتیک افزایش دهید.

دستیابی به موفقیت از طریق مذاکرات یا انتخابات در صورتی می‌تواند آسان‌تر شود که عوامل محلی مربوطه مهارت‌ها و منابع لازم برای پیگیری این مسیرهای تغییر را در اختیار داشته باشند و در عین حال در اقدامات مقاومت مدنی نیز مشارکت فعال کنند. اپوزیسیونی که توانایی کافی برای مقاومت مدنی دارد، اما ظرفیت یا مهارت بسیار کمی برای مذاکره با رژیم غیردموکراتیک دارد یا نتواند از روند انتخاباتی که با کمپین

^۱ Bayer, Bethke, and Lambach 2016; Bethke and Pinckney 2019; Celestino and Gleditsch 2013; Chenoweth and Stephan 2011; Karatnycky and Ackerman 2005

مقاومت مدنی خود آغاز کرده، بهره‌برداری کند، بعید است که به دنبال گذار یا بهره‌برداری از این ابزارها باشد. در عوض، آنها مانند مصر احتمالاً از نخبگان سیاسی قدیمی می‌خواهند که به کمک آنها بیایند، یا اینکه روش بایکوت یا عقب نشینی زود هنگام از نهادهای تازه تاسیس شده را در پیش می‌گیرند، با این تصور که به عنوان افراد خارج از قدرت امکان بیشتری برای پیروزی دارند، یا به دنبال فروپاشی فوری رژیم گذشته هستند، در حالی که هنوز سطح بسیج آنها بالا است. با این حال، این گام‌ها ممکن است تلاش‌های دموکراسی‌سازی را از بین ببرد.

۲- از گذار برای قرار دادن دموکراسی خواهان در موقعیت‌های نفوذی استفاده کنید.

معمولاً قدرت خیابان درست قبل از وقوع گذار در بالاترین حد است. توانایی فشار آوردن به نخبگان رژیم گذشته از طریق اقدام توده‌ای احتمالاً پس از دستیابی به موفقیت کاهش می‌یابد. بنابراین، لحظه گذار می‌تواند زمان بسیار مهمی برای انتصاب افراد دارای اعتبار دموکراتیک و حقوق بشری به سمت‌های انتخابی و کارشناسانی با تفکر دموکراتیک در ساختارهای اداری باشد، تا از نفوذ مستمر نیروهای دموکراسی‌خواه اطمینان حاصل شود.

۳- تا آنجا که ممکن است، نهادهای جدید، از جمله رویه‌ها، هنجارها، مکانیسم‌ها و ساختارهایی

ایجاد کنید که دموکراسی‌سازی را تسهیل و از دستاوردهای آن محافظت می‌کند.

تغییر از غیردموکراسی به دموکراسی لزوماً مستلزم تغییرات قابل توجهی در نحوه اعمال سیاست است. با این حال، فعالان و متحدان دیگر آنها باید مراقب باشند تا به سرعت این تغییرات را در قوانین و نهادهای جدیدی که رقابت سیاسی را ممکن می‌کنند، تحکیم ببخشند. اگرچه فشار سیاسی فزاینده از بیرون برای سرنگونی رژیم غیر دموکراتیک بسیار مهم است، اما می‌تواند عامل بی ثبات کننده‌ای در دوره گذار نیز باشد. اگر این گذار از قبل خود را با رویه‌های نهادینه جدید مشغول کند که به راحتی می‌تواند به سیاستهای دموکراتیک مانند مذاکرات یا انتخابات تبدیل شود، می‌توان از بی‌ثباتی بالقوه خطرناک دوران گذار اجتناب کرد.

۴- مراقب ژنرال‌هایی باشید که هدیه می‌دهند.

کودتا رایج ترین نوع گذار غیرمشارکتی است که اهداف مقاومت مدنی را به خطر می‌اندازد و بدترین پیامدها را برای گذار دموکراتیک دارد. آن‌ها که علاقه چندانی به تغییر واقعی و دموکراتیک ندارند، در صدد ارتقا خود به جایگاه‌های قدرت در درون رژیم هستند.

عوامل خارجی می‌توانند با تشویق طرفین هم در دولت‌های غیردموکراتیک و هم در جنبش‌های اپوزیسیون به سمت گذارهای مشارکتی و انواع گذارهایی که به آغاز گذار در مسیری دموکراتیک‌تر کمک می‌کنند، نقشی ایفا کنند. لحظات درست قبل از دستیابی به موفقیت اغلب با مقدار قابل توجهی از عدم قطعیت همراه هستند و فشارهای جزئی در یک جهت یا جهت دیگر ممکن است در یک زمان بحرانی تفاوت عمده‌ای ایجاد کند. فشارها برای مذاکرات و انتخابات کثرت‌گرایانه، همراه با اتکا به سازوکارهای مشارکتی مانند گفتگو و سازش، می‌توانند گذار دموکراتیک بیشتری را سرعت ببخشند. اما اینها باید با استفاده از توانایی و ظرفیت مردم برای مشارکت در اقدامات مقاومت مدنی بی‌خشونت، در صورت نیاز پشتیبانی شوند.

همانطور که گذار مداوم در سودان نشان می‌دهد - با عطف توجه به موردی که این گزارش با آن آغاز شد - مجبور کردن یک دیکتاتور به کناره‌گیری تنها اولین گام در مسیر دستیابی به تغییر سیاسی دموکراتیک از طریق مقاومت بی‌خشونت است. همچنین بسیار مهم است که این گذار منجر به "پیروزی مطلوب" شود، و آینده را در مسیری قرار دهد که کشور را به سمت تغییر واقعی سیاسی سوق دهد.

- Abdulshafi, Quscondy.** 2019. Quscondy Abdulshafi—*The Nonviolent Pro-Democracy Movement in Sudan (ICNC Webinar)*. <https://www.youtube.com/watch?v=eEzJ1aYQSDk> (July 6, 2019).
- Abrahamian, Levon, and Gayane Shagoyan.** 2018. "Velvet Revolution, Armenian Style." *Demokratizatsiya: The Journal of Post-Soviet Democratization* 26(4): 509–30.
- Acemoglu, Daron, Simon Johnson, James A. Robinson, and Pierre Yard.** 2008. "Income and Democracy." *American Economic Review* 98(3): 808-42.
- Ackerman, Peter, and Jack DuVall.** 2000. *A Force More Powerful: A Century of Non-Violent Conflict*. London, UK: Palgrave Macmillan.
- Amiryan, Tigran.** "Culture of Protest: The Symbols of Armenia's Velvet Revolution." *The Calvert Journal*. <https://www.calvertjournal.com/articles/show/10318/culture-of-protest-symbols-of-armenia-velvet-revolution> (January 1, 2019).
- Asbarez.** 2018. "International Observers Urge Continued Electoral Reforms in Armenia." *Asbarez.com*. <http://asbarez.com/176630/international-observers-urge-continued-electoral-reforms-in-armenia/> (July 8, 2019).
- Atanesian, Grigor.** 2018. "Armenia: Anti-Corruption Purge." *LobeLog*. <https://lobelog.com/armenia-anti-corruption-purge/> (July 8, 2019).
- Bayer, Markus, Felix S. Bethke, and Daniel Lambach.** 2016. "The Democratic Dividend of Nonviolent Resistance." *Journal of Peace Research* 53(6): 758-771.
- Bethke, Felix S., and Jonathan Pinckney.** 2019. "Nonviolent Resistance and the Quality of Democracy." *Conflict Management and Peace Science Online* first <https://doi.org/10.1177/0738894219855918>.
- Brinks, Daniel, and Michael Coppedge.** 2006. "Diffusion Is No Illusion: Neighbor Emulation in the Third Wave of Democracy." *Comparative Political Studies* 39(4): 463-489.
- Bunce, Valerie J., and Sharon L. Wolchik.** 2011. *Defeating Authoritarian Leaders in Postcommunist Countries*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Butcher, Charles R., John L. Gray, and Liesel Mitchell.** 2018. "Striking It Free? Organized Labor and the Outcomes of Civil Resistance." *Journal of Global Security Studies* 3(3): 302-321.
- Celestino, Mauricio Rivera, and Kristian Skrede Gleditsch.** 2013. "Fresh Carnations or All Thorn, No Rose? Nonviolent Campaigns and Transitions in Autocracies." *Journal of Peace Research* 50(3): 385-400.
- Chenoweth, Erica, and Orion A. Lewis.** 2013. "Unpacking Nonviolent Campaigns: Introducing the NAVCO 2.0 Dataset." *Journal of Peace Research* 50(3): 415-423.
- Chenoweth, Erica, and Maria J. Stephan.** 2011. *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. New York, NY: Columbia University Press.
- Coppedge, Michael et al.** 2018. *V-Dem Country-Year Dataset V8*. Gothenburg, Sweden: Varieties of Democracy (V-Dem) Project.

- Dudouet, Véronique.** 2008. *Nonviolent Resistance and Conflict Transformation in Power Asymmetries*. Berlin, Germany: Berghof Research Center for Constructive Conflict Management.
- Fernandes, Tiago.** 2015. "Rethinking Pathways to Democracy: Civil Society in Portugal and Spain, 1960s-2000s." *Democratization* 22(6): 1074-1104.
- Geddes, Barbara, Joseph Wright, and Erica Frantz.** 2014. "Autocratic Breakdown and Regime Transitions: A New Data Set." *Perspectives on Politics* 12(2): 313-331.
- Gleditsch, Kristian Skrede, and Michael D. Ward.** 2006. "Diffusion and the International Context of Democratization." *International organization* 60(4): 911-933.
- Helvey, Robert L.** 2004. *On Strategic Nonviolent Conflict: Thinking about the Fundamentals*. Albert Einstein Institute.
- Iskandaryan, Alexander.** 2018. "The Velvet Revolution in Armenia: How to Lose Power in Two Weeks." *Demokratizatsiya: The Journal of Post-Soviet Democratization* 26(4): 465-82.
- Karatnycky, Adrian, and Peter Ackerman.** 2005. *How Freedom Is Won: From Civic Resistance to Durable Democracy*. Washington, DC: Freedom House.
- Lakey, George.** 2011. "The Global Nonviolent Action Database." <https://nvdatabase.swarthmore.edu/> (June 11, 2019).
- Liakhov, Peter, and Knar Khudoyan.** 2018. "How Citizens Battling a Controversial Gold Mining Project Are Testing Armenia's New Democracy." *openDemocracy*. <https://www.opendemocracy.net/en/odr/citizens-battling-a-controversial-gold-mining-project-amulsar-armenia/> (January 18, 2019).
- MacFarquhar, Neil.** 2019. "He Was a Protester a Month Ago. Now, Nikol Pashinyan Leads Armenia." *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2018/05/08/world/europe/armenia-nikol-pashinyan-prime-minister.html>.
- Madestam, Andreas, Daniel Shoag, Stan Veuger, and David Yanagizawa-Drott.** 2013. "Do Political Protests Matter? Evidence from the Tea Party Movement." *Quarterly Journal of Economics* 128(4): 1633-85.
- Martini, Jeff, and Julie Taylor.** 2011. "Commanding Democracy in Egypt: The Military's Attempt to Manage the Future." *Foreign Aff.* 90: 127.
- Nepstad, Sharon Erickson.** 2011. *Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late 20th Century*. New York, NY: Oxford University Press.
- . 2015. *Nonviolent Struggle: Theories, Strategies, and Dynamics*. New York, NY: Oxford University Press.
- ODIHR.** 2019. *Republic of Armenia Early Parliamentary Elections 9 December 2018: ODIHR Election Observation Mission Final Report*. OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights. <https://www.osce.org/odihr/elections/armenia/413555?download=true>.
- O'Donnell, Guillermo, and Philippe C. Schmitter.** 1986. *Transitions from Authoritarian Rule: Tentative Conclusions about Uncertain Democracies*. Baltimore, MD: JHU Press.
- Ohanyan, Anna.** 2018. "Armenia's Democratic Dreams." *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2018/11/07/armenias-democratic-dreams/> (January 1, 2019).
- Pinckney, Jonathan.** 2014. *Winning Well: Civil Resistance Mechanisms of Success, Democracy, and Civil Peace*. Denver, CO: University of Denver (M.A. Thesis).

———. 2018. *When Civil Resistance Succeeds: Building Democracy After Popular Nonviolent Uprisings*. Washington, DC: ICNC Press.

Revkin, Mara. 2014. "Worse Than Mubarak." *Foreign Affairs*.

Schock, Kurt. 2005. *Unarmed Insurrections: People Power Movements in Nondemocracies*. Minneapolis, MN: U of Minnesota Press.

Sharp, Gene. 1973. *The Politics of Nonviolent Action*. Boston, MA: Porter Sargent.

———. 2005. *Waging Nonviolent Struggle: 20th Century Practice and 21st Century Potential*. Boston, MA: Porter Sargent.

Stephan, Maria J., and Erica Chenoweth. 2008. "Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict." *International Security* 33(1): 7-44.

Svensson, Isak, and Magnus Lundgren. 2018. "From Revolution to Resolution: Exploring Third-Party Mediation in Nonviolent Uprisings." *Peace & Change* 43(3): 271-91.

Wanis-St. John, Anthony, and Noah Rosen. 2017. *Negotiating Civil Resistance*. Washington, DC: United States Institute of Peace. <https://www.usip.org/sites/default/files/2017-07/pw129-negotiating-civil-resistance.pdf>.

Wasow, Omar. 2017. "Do Protests Matter? Evidence from the 1960s Black Insurgency." *Working Paper*. 63.

روش دسته‌بندی برای تعریف انواع پیروزی در مقاومت مدنی

کدگذاری نوع گذار برای کمپین‌های موفق مقاومت مدنی مستلزم تحقیقات مستقل قابل توجهی بود، تا هم توالی وقایع در پایان کارزار مقاومت مدنی را نشان بدهد و هم رویدادهای خاصی را که به دقیق‌ترین صورت لحظه به لحظه موجب گذار شده‌اند، مشخص کند. این فرآیند تحقیقاتی در درجه اول متکی به گزارش‌های علمی از موارد مورد بحث بود، اگرچه برخی از موارد اخیر با گزارش‌های روزنامه یا سایر رسانه‌ها تکمیل شد.

کدگذاری نوع گذار برای کمپین‌های موفق مقاومت مدنی مستلزم تحقیقات مستقل قابل توجهی بود، تا هم توالی در بیشتر موارد، تعیین نوع گذار ساده و سراسر بود، زیرا منابع علمی و کاربران رسانه‌ای در مورد توالی رویدادهایی که منجر به موفقیت کمپین می‌شد توافق داشتند. با این حال، در برخی موارد، فرآیند کدگذاری نیازمند اعمال داوری بین گزینه‌های قابل قبول بود. به دلیل خاص بودن و پیچیدگی موارد، فرموله کردن قواعد محکم برای تعیین مرز میان این گزینه‌ها عملی نبود، گذشته از این قاعده کلی که گزینه‌ای انتخاب می‌شد که به بهترین شکل توالی رویدادهای سیاسی منجر به شروع گذار سیاسی را نشان می‌داد. تصمیمات باید به صورت موردی انجام می‌شد.

به دلیل احتمالی بودن این فرآیند، هر تصمیم کدگذاری به دقت منبع‌گذاری و مستند شده بود و با یادداشت‌های روش‌شناختی دقیقی منطق انتخاب یک نوع گذار بر دیگری را مورد به مورد مشخص می‌کرد. برای توضیح این هدف دو نمونه از این موارد در زیر ارائه شده‌است.

نمونه روش دسته‌بندی پیروزی

نام: کمیون مقاومت آفریقای جنوبی کشور: آفریقای جنوبی

سال پایان: ۱۹۹۲ مکانیزم گذار: مذاکرات

خلاصه: مجموعه‌ای از قیام‌های توده‌ای بی‌خشونت، از جمله تحریم مشاغل سفیدپوست، ایجاد نهادهای جایگزین، و اعتصاب‌های کارگری، و همچنین کمیون بین‌المللی کاهش سرمایه‌گذاری و تحریم‌ها، دولت آپارتاید آفریقای جنوبی را وادار کرد تا تحت نظارت کنوانسیون آفریقای جنوبی دموکراتیک (CODESA) درگیر فرآیند گذار از طریق مذاکره شود. CODESA در حالی که با چالش‌های مهمی روبرو بود، در نهایت در اواخر ۱۹۹۲ به توافق برای برگزاری انتخابات ملی و یک دولت وحدت ملی پنج ساله دست یافت. این انتخابات که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، منجر به انتخاب مبارز آزادی‌خواه نلسون ماندلا به عنوان اولین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست آفریقای جنوبی شد.

نکته روش‌شناختی: گذار آفریقای جنوبی یک چالش مهم کدگذاری را نشان می‌دهد. سه نکته مهم وجود دارد که می‌توان از آنها به عنوان مکانیسم موفقیت نام برد: تصمیم رئیس‌جمهور دکلرک برای قانونی کردن کنگره ملی آفریقا (ANC) و آزادی نلسون ماندلا در سال ۱۹۹۰، مذاکرات CODESA که در سال ۱۹۹۲ به پایان رسید و انتخابات در سال ۱۹۹۴. مذاکرات CODESA به دلایل زیر بهترین گزینه است:

- تصمیمات دکلرک در سال ۱۹۹۰ - در حالی که به‌طور قابل توجهی توانایی ANC را برای شکل دادن به آینده آفریقای جنوبی افزایش داد - به یک تغییر واقعی در قدرت منجر نشد، بنابراین به اندازه کافی مهم نیستند که به عنوان مکانیسم گذار در نظر گرفته شوند.
- انتخابات ۱۹۹۴، در عین حال که پیشروانه بود، تحت یک چارچوب توافقی و با مذاکره قبلی برگزار شد. زمانی که انتخابات برگزار شد، کنگره ملی آفریقا از قبل در موقعیتی قرار داشت که به شدت برنامه خود را که بر اساس نفوذ سیاسی عظیم خودش ساخته بود و همچنین نقش حداقلی آن در دولت پس از انتخابات تضمین شده بود، به پیش می‌برد. (به دلیل توافقاتی که در مورد تشکیل یک دولت وحدت ملی در CODESA انجام شده بود). بنابراین، انتخابات در درجه اول تعیین کرد که میزان قدرت ANC در دولت چقدر خواهد بود، نه اینکه آیا آنها نقشی خواهند داشت یا خیر.
- بنابراین توافق نامه مذاکره شده از CODESA بهترین کدگذاری مکانیسم گذار را نشان می‌دهد. این امر به کنگره ملی آفریقا و دیگر گروه‌های آفریقایی نفوذ سیاسی قابل توجهی بخشید و به طرز موثری چگونگی گذار آینده آفریقای جنوبی را شکل داد.

Davenport, T.R.H. The Birth of a New South Africa. Toronto, Canada: University of Toronto Press (۱۹۹۸).

Jackson, John. "The ۱۹۹۴ Election: An Analysis." In F.H. Toase and E.J. Yorke (eds.) The New South Africa: Prospects for Domestic and International Security. New York, NY: St. Martin's Press (۱۹۹۸).

Schock, Kurt. Unarmed Insurrections: People Power Movements in Nondemocracies. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press (۲۰۰۵). ۲.

نام کمپین: انقلاب بولدوزر/اتپور نام کشور: یوگسلاوی

سال پایان: ۲۰۰۰ مکانیزم گذار: انتخابات

خلاصه: جنبش دانشجویی صربستان «اتپور» ۷ کمپین مقاومت مدنی را علیه دیکتاتور صربستان اسلوبودان میلوشویچ رهبری کرد و در اعتراضات خلاقانه برای تضعیف روایت حاکمیت اجتناب‌ناپذیر میلوشویچ و متحد کردن اپوزیسیون تکه‌تکه‌شده صربستان به شکل اپوزیسیون دموکراتیک صربستان (DOS) دخالت کرد. تا حد زیادی به دلیل تلاش‌های اتپور، نامزد ریاست جمهوری DOS، وویسلاو کوشتونیکا، میلوشویچ را در انتخابات ریاست جمهوری یوگسلاوی سال ۲۰۰۰ شکست داد. هنگامی که میلوشویچ به دروغ ادعا کرد که کوشتونیکا کمتر از ۵۰ درصد آرا را به دست آورده‌است، و بنابراین دور دوم انتخابات را اعلام کرد، اتپور و فعالان اپوزیسیون درگیر موجی از تظاهرات گسترده در مرکز بلگراد شدند، در حالی که در خارج از بلگراد کارگران معادن زغال سنگ کولوبارا (که نیمی از برق کشور را تامین می‌کردند) وارد اعتصاب شدند. در مواجهه با مقاومت روزافزون و با سرپیچی گسترده پلیس از دستورات برای متفرق کردن معترضان، دادگاه قانون اساسی حکم خود مبنی بر الزام برگزاری دور دوم انتخابات را لغو کرد. متعاقباً، میلوشویچ از ادعای خود برای ریاست جمهوری صرف نظر کرد و کوشتونیکا رئیس‌جمهور یوگسلاوی شد.

نکته روش‌شناختی: کدگذاری مکانیسم انتقال در این مورد به دلیل برداشت‌های گوناگون از اهمیت انتخابات چالش‌برانگیز است. می‌توان دلایلی برای این مورد داشت که این آیا نمونه‌ای از مذاکره است (زیرا دادگاه تصمیم خود را تغییر داد و میلوشویچ پس از ملاقات با کوشتونیکا از سمت خود کناره‌گیری کرد) یا فروپاشی (زیرا پس از انتخابات، تظاهرات گسترده، اعتصاب‌ها، و فرار از خدمت از سوی پلیس و مقامات دولتی محلی در پایان دادن به حکومت میلوشویچ بسیار مهم بود)؟ با این حال، در حالی که بزرگترین بسیج پس از خود انتخابات صورت گرفت، من به چند دلیل انتخابات را مکانیسم مهم گذار در این مورد می‌دانم:

- پیروزی در انتخابات به وضوح یک عامل ضروری برای بسیج مردم بود که پس از آن صورت گرفت.

- هدف تظاهرات صراحتاً برای کسب اطمینان از رعایت شرایط انتخابات توسط دولت بود نه اینکه به عنوان مثال از طریق مذاکره یا تصرف غیرقانونی قدرت در جستجوی راهی متفاوت برای کسب قدرت باشد.
- پیروزی نهایی به شکل تغییر موضع دادگاه قانون اساسی در مورد دور دوم انتخابات و همچنین تایید نتایج دور اول انتخابات توسط میلوسویچ صورت گرفت.

منابع:

Bunce, Valerie J. and Sharon L. Wolchik. *Defeating Authoritarian Leaders in Postcommunist Countries*. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Rennebohm, Max. "Serbians Overthrow Milosevic (Bulldozer Revolution), ۲۰۰۰." *Global Nonviolent Action Database* (۲۰۱۱), September ۸). Accessed ۱۲/۱۲/۱۳ at <http://nvdatabase.swarthmore.edu/content/serbians-overthrow-milosevic-bulldozer-revolution-۲۰۰۰>.

Tucker, Joshua A. "Enough! Electoral Fraud, Collective Action Problems, and Postcommunist Col ored Revolutions." *Perspectives on Politics* ۵, no. ۳ (۲۰۰۷): ۵۳۵-۵۵۱

جدول الف ۱: لیست کشورها و انواع گذارها

کشور	سال	نام جنبش	نوع گذار
گواتمالا	۱۹۴۵	انقلاب اکتبر	کودتا
هند	۱۹۴۷	کارزار گاندی	مذاکرات
هائیتی	۱۹۵۶		استعفا
غنا	۱۹۵۷	جنبش حزب مردم کنوانسیون	انتخابات
کلمبیا	۱۹۵۸	جنبش ضد روخاس	کودتا
ونزوئلا	۱۹۵۸	جنبش ضد خیمنز	کودتا
جمهوری دمکراتیک کنگو	۱۹۶۰		مذاکرات
کره جنوبی	۱۹۶۰	انقلاب دانشجویی کره جنوبی	استعفا
جمهوری دومینیکن	۱۹۶۲	ضد بالاگوئر	کودتا
زامبیا	۱۹۶۴	ضد اشغال زامبیا	انتخابات
ملاوی	۱۹۶۴	کنگره افریقایی نیاسالاند	مذاکرات
سودان	۱۹۶۵		مذاکرات
ماداگاسکار	۱۹۷۲	کمپین ضد تسیرانانا	استعفا
تایلند	۱۹۷۳	اعتراضات دانشجویی تایلند	کودتا
پرتقال	۱۹۷۴	انقلاب میخک‌ها	کودتا
یونان	۱۹۷۴	ضد نظامیان یونان	کودتا
بولیوی	۱۹۷۹	جنبش ضد دولت نظامی خوانتا	استعفا
ایران	۱۹۷۹	انقلاب ایران	فروپاشی
بولیوی	۱۹۸۲	جنبش ضد دولت نظامی خوانتا	مذاکرات
آرژانتین	۱۹۸۳	جنبش دمکراسی خواهی آرژانتین	انتخابات
اوروگوئه	۱۹۸۴	جنبش ضد نظامیان	انتخابات
برزیل	۱۹۸۵	دیرتاسیا ضد نظامیان	انتخابات
سودان	۱۹۸۵	ضد جعفر نمیری	کودتا
هائیتی	۱۹۸۶	ضد دوآلیه	استعفا
فیلیپین	۱۹۸۶	قدرت مردم	فروپاشی
کره جنوبی	۱۹۸۷	ضد نظامیان کره جنوبی	انتخابات
پاناما	۱۹۸۹	ضد نوریگا	مداخله خارجی
شیلی	۱۹۸۹	جنبش ضد پینوشه	انتخابات
آلمان شرقی	۱۹۸۹	جنبش دمکراسی خواهی	استعفا
لهستان	۱۹۸۹	همبستگی	مذاکرات
چکوسلواکی	۱۹۸۹	انقلاب مخملی	مذاکرات
بنگلادش	۱۹۹۰	ضد ارشاد بنگلادش	استعفا
نپال	۱۹۹۰	جنبش استیر	مذاکرات
مجارستان	۱۹۹۰	جنبش دمکراسی خواهی مجارستان	مذاکرات
بلغارستان	۱۹۹۰	ضد کمونیستی	مذاکرات
بنین	۱۹۹۰	ضد کمونیستی بنین	مذاکرات
مغولستان	۱۹۹۰	ضد کمونیستی مغولستان	استعفا
آلبانی	۱۹۹۱	ضد کمونیستی آلبانی	استعفا
اسلوانیا	۱۹۹۱	استقلال اسلوانی	انتخابات

اتحاد جماهیر شوروی	۱۹۹۱	جنبش دمکراتیک روسیه	فروپاشی
استونی	۱۹۹۱	انقلاب آوازه خوانی	انتخابات
لتونی	۱۹۹۱	جنبش دمکراتیک لتونی	انتخابات
لیتوانی	۱۹۹۱	جنبش دمکراتیک لیتوانی/ساجدیس	انتخابات
بلاروس	۱۹۹۱	ضد کمونیستی	کودتا
گرجستان	۱۹۹۱	گرجستان علیه شوروی	انتخابات
مالی	۱۹۹۱	ضد نظامیان مالی	کودتا
نیجر	۱۹۹۱	ضد نظامیان نیجر	مذاکرات
زامبیا	۱۹۹۱	زامبیا علیه نظام تک حزبی	انتخابات
گویانا	۱۹۹۲	علیه برنهام/هویتته	انتخابات
تایلند	۱۹۹۲	جنبش دمکراتیک تایلند	انتخابات
نیجریه	۱۹۹۳	ضد نظامیان نیجریه	استعفا
جمهوری افریقای مرکزی	۱۹۹۳		انتخابات
ماداگاسکار	۱۹۹۳	نیروهای فعال	مذاکرات
ملاوی	۱۹۹۴	ضد-باندا	انتخابات
آفریقای جنوبی	۱۹۹۴	کمپین نافرمان آفریقای جنوبی	مذاکرات
نیجریه	۱۹۹۹	ضد نظامیان نیجریه	انتخابات
اندونزی	۱۹۹۹	ضد سوهارتو	استعفا
مکزیک	۲۰۰۰	ضد بی آرای	انتخابات
پرو	۲۰۰۰	ضد فوجی موری	استعفا
کرواسی	۲۰۰۰	اصلاح قانون اساسی کرواسی	انتخابات
صربستان	۲۰۰۰	ضد میلوسویچ	انتخابات
سنگال	۲۰۰۰	ضد دیوف	انتخابات
غنا	۲۰۰۰		انتخابات
لسوتو	۲۰۰۲		انتخابات
ماداگاسکار	۲۰۰۲	جنبش دمکراتیک ماداگاسکار	مذاکرات
تیمور شرقی	۲۰۰۲		مداخله خارجی
گرجستان	۲۰۰۳	انقلاب گل رز	استعفا
لیبریا	۲۰۰۳	جنبش زنان لیبریا برای صلح	مداخله خارجی
اوکراین	۲۰۰۴	انقلاب نارنجی	انتخابات
لبنان	۲۰۰۵	انقلاب سدر	استعفا
قرقیزستان	۲۰۰۵	انقلاب گل لاله	فروپاشی
نپال	۲۰۰۶	ضد دولتی نپال	انتخابات
پاکستان	۲۰۰۸	جنبش حقوقوانان	استعفا
تونس	۲۰۱۱	کمپین علیه بن علی (انقلاب یاس)	استعفا
مصر	۲۰۱۱	جنبش ضد مبارک	کودتا
یمن	۲۰۱۱	جنبش علیه صالح	مذاکرات

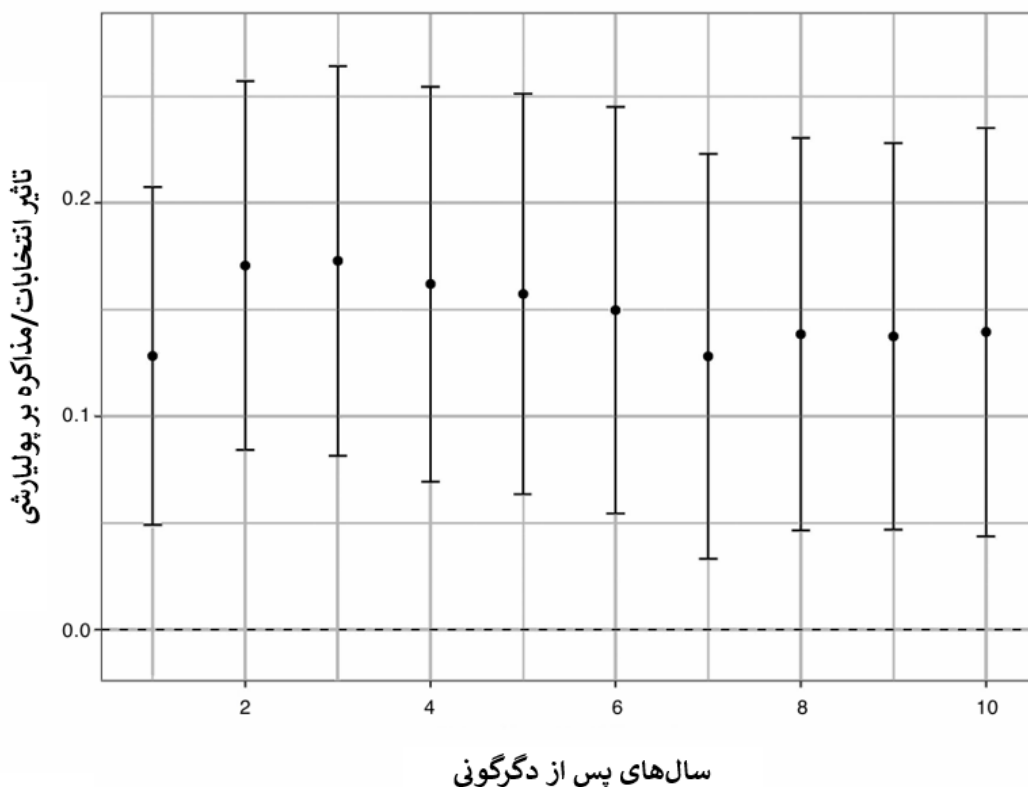
این بخش جداول رگرسیون (برگشت به عقب) کامل برای خروجی مدل ارائه شده در شکل ۴ را ارائه می‌دهد که با استفاده از مقادیر پیش بینی شده از مدل ۲ (مدل شامل متغیرهای کنترل) درست شده است.

جدول الف ۲: جدول رگرسیون کامل مدل OLS و نتایج بررسی درستی آن

تأثیر انتخابات یا مذاکره بر دموکراسی پس از گذار		
	متغیر وابسته	
	امتیاز پلی آرشی t + 5	
	(1)	(2)
موفقیت در انتخابات یا مذاکره	0.115** (0.053)	0.157*** (0.047)
پلی آرشی قبل از دگرگونی		-0.098 (0.188)
سطح متوسط دموکراسی منطقه ای		0.306*** (0.112)
تولید سرانه ناخالص داخلی		0.071*** (0.026)
ثابت	0.480*** (0.039)	-0.179 (0.218)
مشاهدات	76	68
R2	0.060	0.363
R2 تنظیم شده	0.047	0.323
خطای استاندارد باقیمانده	0.230 (df = 74)	0.186 (df = 63)
آمار F	4.716** (df = 1; 74)	8.981*** (df = 4; 63)
یادداشت	* p < 0.1, ** p < 0.05, *** p < 0.01	

فایل‌های داده‌های تکراری به صورت کامل، که شامل تمام فایل‌های تحلیل و مجموعه کامل یادداشت‌های روش‌شناختی و منابع برای کدگذاری موارد فردی می‌شوند در صورت درخواست از طریق نویسنده در دسترس است.

با جانان پینکنی از طریق ایمیل به آدرس jpinckney@usip.org یا www.jonathanpinckney.com تماس بگیرید.



نمودار الف ۱: بررسی‌های استحکام مدل اولیه (از $1+t$ تا $10+t$)

شکل الف ۱ نمودار ضرایبی از مدل‌های جداگانه را نشان می‌دهد که میزان تأثیر دستیابی به موفقیت از طریق مذاکرات یا انتخابات را بر سطح دموکراسی از زمان $1+t$ تا $10+t$ اندازه‌گیری می‌کند. نقاط منفرد ضرایب هستند، در حالی که خطوط یک فاصله اطمینان ۹۵٪ را در بر می‌گیرند.

یک خط چین افقی در نقطه صفر وجود دارد. ضرایبی که حد پایین فاصله اطمینان آنها از خط صفر عبور نمی‌کند در سطح $p < 0.05$ معنی دار هستند. هر نقطه از یک مدل جداگانه با استفاده از مجموعه کنترل‌های مشابه از مدل ۲ در جدول الف ۲ و اندازه‌گیری امتیاز چندسالگی در تعداد سال‌های مشخص شده پس از موفقیت است. از آنجایی که متغیر مستقل باینری است (در صورتی که نوع گذار مذاکره یا انتخابات باشد به عنوان یک کدگذاری می‌شود و در غیر این صورت صفر است)، این ضریب برابر است با تأثیر حاشیه‌ای این انواع پیشرفت بر نمرات چندسالاری آینده نتایج نشان می‌دهد که اثر انواع پیشرفت برای کل دهه پس از پیشرفت اولیه قوی است. از آنجایی که متغیر مستقل باینری است (در صورتی که نوع پیشرفت یک مذاکره یا انتخابات باشد به عنوان یک کدگذاری می‌شود و در غیر این صورت صفر است)، این ضریب برابر است با تأثیر حاشیه‌ای این انواع گذارها بر میزان چندسالاری (تقسیم قدرت میان خود) در آینده. نتایج نشان می‌دهد که اثر انواع گذار برای کل دهه پس از پیشرفت اولیه بسیار مهم است.

درباره نویسنده

جاناتان پینکنی، بعنوان مسئول برنامه ریزی برای فعالیت‌های بی‌خسونت در مؤسسه صلح ایالات متحده کار می‌کند و در آنجا تحقیقاتی را در مورد اقدامات بی‌خسونت، برقراری صلح و دموکراسی‌سازی انجام می‌دهد. او نویسنده کتاب «از دگراندیشی تا دموکراسی: بیم و امیدهای گذارهای مقاومت مدنی»، از انتشارات دانشگاه آکسفورد است که شامل طیف وسیعی از مقالاتی با مخاطبان دانشگاهی و عامه مردم می‌شود. او دکترای خود را در سال ۲۰۱۸ از دانشگاه دنور دریافت کرد و در سال ۲۰۱۲ بورسیه Sie Cheou-Kang را در دانشگاه دنور دریافت کرد. در سال ۲۰۱۶ بورسیه دکترای ICNC را دریافت کرد.



نظرات این مقاله صرفاً متعلق به نویسنده است و لزوماً منعکس کننده نظرات مؤسسه صلح ایالات متحده نیست.